



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

مامل، کلبه قوانین معربه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

سال هشتم

۴ شنبه ۵ آذرماه ۱۳۳۱

شماره ۲۲۶۶

شماره مسلسل ۳۹

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۳۹

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه

۳۹ آبان ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

- ۱- طرح صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور - آقایان: نریمان و مدرس
- ۳- اظهار آقای کریمی و توضیح آقای محمد ذوالفقاری
- ۴- بیانات قبل از دستور آقای ذکائی
- ۵- بیانات آقایان: منصف و افشار صادقی بعنوان صورت مجلس
- ۶- طرح لایحه ملی کردن ارتباط تلفنی از ماده چهارم
- ۷- اعلام تصویب صورت مجلس
- ۸- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده صبح بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- طرح صورت مجلس

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت می شود

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: مکی - منصف شادلو - دکتر فلسفی - دکتر سنجانی - اوزنگ موسوی - عبدالرحمن فرامرزی

غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر امامی فتعلی افشار - دادور - معتد دماوندی امیر افشار - محمد حسین قشقای - راشد

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه روز پنجشنبه ۲۲ آبان نظری هست؟ آقای کهید

کهید - مختصر اشتباهاتی در نطق جلسه گذشته بنده هست که با اداره تدوین

میدهم و در ضمن استواری هم دارم راجع به ورود جای خارجی است که تقدیم مقام ریاست می کنم (مهندس غروی - احسن)

نایب رئیس - آقای امامی اهری امامی اهری - مطابق نظامنامه جدید اشخاصی که در رأی شرکت نمی کنند غائب نوشته می شوند و در صورت جلسه هم قید نمی شود و آقایان نمی دانند که در کدام موارد حق داشته اند یا اشتباه شده است بنده می خواستم تقاضا کنم که در هیئت رئیسه تصمیم بگیرند یا امر بفرمایند که در صورت جلسه قید شود تا در صورت اشتباه لااقل از طرف آقایان نمایندگان تصحیح بشود

نایب رئیس - بعد از این غایب در رأی راجع ضمن خواندن اسامی غائبین ذکر

خواهند کرد و دستور هم در این باره داده شده است چون عده کافی نیست تصویب صورت مجلس بعد اعلام می شود. آقای نریمان بفرمائید

۲- بیانات قبل از دستور آقایان

نریمان و مدرس

نریمان - راجع بمجلس سنا و انحلال آن دو مطلب هست که باید روشن شود یکی موضوع پیدایش این فکر و جریان طرح انحلال آنست که متأسفانه بعضی مفرضین و مفتنبن و یا اشخاص بی اطلاع میخواهند انحلال مجلس سنا را بدولت آقای دکتر مصدق نسبت بدهند و بچسباند - چون به تصدیق اکثر آقایان نمایندگان محترم مبتکر این فکر بنده بوده ام و اندیشه انحلال مجلس سنا از طریق الغاء آئین نامه آن که به تصویب مجلس شورای ملی می باید رسیده باشد و نرسیده بود برای بنده اول پیداشد و بنده این فکر را تا انتها و رسیدن به نتیجه

تعمیب و دنبال کردم این است که بمنظور رفع سوء تفاهم درباره آقای دکتر مصدق و دولت ایشان لازم است خلاصه از جریان امر در اینجا عرض برسد در آنوقتی که بنده در کمیته تحقیق وقایع سی ام تیر ماه عضویت داشتم و در روزهای تابستان و ایام تعطیل مجلس شورای ملی برای تشخیص شهادت معجرو حین این واقعه و بازماندگان و خانواده آنها هم چنین کمک به این بازماندگان و معجرو حین کوشش می نمودم و با کمال تأثر شاهد ناظر بدیختی ها و استیصال این بازماندگان و خود معجرو حین و خانواده آنها بودم در این روزها از مسامحه و تامل و کارشکنی مجلس سنا در باره قانون ضبط اموال قوام که فراز بود آن اموال بصرف معیشت این مردمان بیگناه برسد و مجوز قانونی لازم را برای اقدامات کمیته تحقیق بنده متأسر و متأسفین می شدم یکبار به این فکر افتادم که راهی برای

از بین بردن این سد و مانع تحقق آمال و آرزوها و خواسته های مردم پیدا کنم و در نتیجه این اندیشه بغا طر برسید که از طریق الغاء آئین نامه مجلس سنا که طبق قانون اساسی باید بتصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد و نرسیده این منظور را تأمین کنم و خوب بغا طر دارم که در همان موقع ابتدا این فکر را با همکار محترم آقای حاج سید جوادی و بعد با نماینده گرامی آقای دکتر بقائی در میان گذاشتم و مورد توجه آنها واقع شد بمحض پیدایش این فکر مطلب را دنبال کردم و بشهادت آقای نقیب لاهوتی رئیس اداره قوانین مجلس شورای ملی طرحی در این زمینه تهیه کردم که مورد استقبال عده ای از آقایان نمایندگان محترم قرار گرفت و با مضاعفه ای هم رسید که نزد بنده موجود است (مهندس حسینی - همه از شما متشکرند) در همین موقع خبر تهیه این طرح از طرف بنده در بعضی جراید نیز منتشر گردید منجمله روزنامه سیاست ما در شماره ۲۰۳ بتاريخ شانزدهم شهریور ماه این خبر را درج کرده است باید عرض کنم که بنده این فکر خودم را بغیر از آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی با احدی در خارج در میان نگذاشتم و اتفاقاً در تمام مدتی که این فکر را مطالعه میکردم و نسبت به آن نظریات نمایندگان محترم را استخراج میکردم هیچ وجه با آقای دکتر مصدق ملاقاتی هم نکردم - در تاریخ اول مهرماه بطوریکه اخبار مندرج در روزنامه ها هم گواه است منجمله روزنامه اطلاعات شماره (۷۹۱۲) بتاريخ دوم مهر ماه در جلسه ای که بمنظور مبارزه آقایان نمایندگان در خدمت ریاست محترم مجلس شورای ملی تشکیل شد بنده برای اولین بار این فکر خودم را راجع بلزوم الغاء آئین نامه مجلس سنا بیان کردم و با انجام عملی از

این مذاکرات مشروح سی و نهمین جلسه از دوره هفدهم قانونگذاری

آقایان محترم با این فکر موافقت و آنرا تأیید فرمودند این بود که بعد از مطالعات بیشتر و دقت در قانون انتخابات مجلس سنا و انطباق آن با قانون اساسی موارد دیگری از نقض قانون اساسی بنظر بنده رسید که برای منظور انحلال مجلس سنا مفید تر و مؤثر تر از الغاء آئین نامه بود همین جهت طرح تفسیر اصل پنجم قانون اساسی را راجع بدوره انتخابیه مجلس سنا تهیه نمودم که با کمک همکاران محترم آقایان دکتر شایگان و دکتر سنجابی تطبیح و اصلاح شد و پس از امضاء عده ای از آقایان نمایندگان محترم چون روزه شبه اول آبان ماه بنده موفق باسم نویسی نطق قبل از دستور جهت تقدیم طرح نامبرده نشدم طبق تقاضای بنده همکار محترم آقای دکتر سنجابی در پایان نطق قبل از دستور خودشان طرح نامبرده را تقدیم ریاست فرمودند و همان روز هم به تصویب رسید - بنابر آنچه عرض شد و اکثر آقایان نمایندگان محترم هم گواه صحت آن هستند فکر تعطیل مجلس سنا منحصراً ناشی از نمایندگان مجلس شورای ملی و اجرای آن بمنظور انجام خواسته های مردم و در انحراف متابعت از افکار عمومی ملت ایران بوده (صحیح است) و بهیچ وجه من الوجوه مربوط بدولت و شخص آقای دکتر مصدق نخست وزیر نباشد (صحیح است) و کلیه انتشارات برخلاف واقعی که در این باب داده شده تکذیب می شود (صحیح است)

مطلب دوم مربوط باساس و تشکیل مجلس سناست بنده در دوره شانزدهم در ضمن نطقی که در مخالفت با کابینه اخیر آقای علاء نمودم حقایقی را هر قدر تلخ بنظر میرسید گفتم اتفاقاً آقای سجادی گوینده زبردست را دیو تهران در آن موقع برای خوب ادا کردن آن نطق مورد غضب واقع (شمس فئات آبادی - اعلامیه جناب اشرف را خوب ادا کرد) خوب وظیفه اش بود و چند روزی منتظر خدمت شدو حالاهم شنیده ام برای خوب ادا کردن نطق دیگری در حال انتظار خدمت و سرگردانی بسر می برد که امیدوارم بزودی مرتفع گردد در هر صورت بنده در آن موقع راجع بخواستن رأی تمایل محدود از مجلس شورای ملی راجع بتعیین نخست وزیر که در تشکیل کابینه آقای علاء و یک کابینه قبل از آن مورد عمل پیدا کرده بود و بر خلاف روح قانون اساسی و سنن پارلمانی بود مطالبی عرض کردم که بسیار خوشوقت مورد توجه قرار گرفت و از آن بیمد مطابق سنن قدیمی و مفاد قانون اساسی در باره تعیین و صدور فرمان نخست وزیری خواستن رأی تمایل آزاد و غیر محدود مجلس شورای ملی مجدداً ادامه یافت و این مطلب باید گفت کاملاً بنبف مقام سلطنتی باشد زیرا اگر فرض کنیم که روی کار آمدن اخیر آقای قوام در اثر رأی تمایل محدود صورت میگرفت و این فضا با پیش می

می آمد که در نتیجه عده زیادی مردم بی گناه کشته میشدند چه ناراحتی وجدانی بزرگی برای مقام سلطنت ایجاد میکردید یکی از حکمتها و فلسفه عدم قبول مسئولیت از طرف پادشاه مملکت جلوگیری از همین پیش آمدها است.

این موضوع را بطور مثال عرض کردم تا آنچه امروز راجع بسنا عرض میکنم و صرفاً ناشی از فرط علاقه به شاه و مملکت است مورد توجه قرار گیرد . فکری که در مجلس شورای ملی برای تعطیل و انحلال مجلس سناییداشد در درجه اول بنبف مقام سلطنت بود زیرا هر عملی که منتخبین پادشاه در مجلس سنا میکردند و بر خلاف افکار و آرزوهای مردم واقع می شد خواهی نخواهی این عدم رضایت مردم در میزان محبوبیت پادشاه در بین مردم مؤثر می باشد (صحیح است) و در کینه فکرو اندیشه مردم بحساب شاه گذاشته می شد - اگر احیاناً مجلس سنا با خواسته های مردم از در خصومت و استیزه در می آمد و یا احیاناً قانون ارتجاع و محل اجتماع مخالفین اصلاحات و ترقی و سعادت بمملکت واقع می شد مردم در ذهن باطنی خودشان از پادشاه مملکت رنجیده خاطر میشدند پس چه خوب شد که یک چنین منبع اختلال روابط شاه و ملت از میان برداشته شد (صحیح است)

قانون اساسی اصل مبری بودن مقام سلطنت را از مسئولیت باینجهت برقرار نموده است که در یک کشور مشروطه پادشاه یک رکن ثابت و تغییر ناپذیری است و لازمه این طبیعت و اینوضع ایجاب می کند که پادشاه بمملکت هیچگونه مسئولیتی قبول نکند و نداشته باشد - آنکسی که مسئول است قابل سؤال و پرسش و بازخواست و عزل و انفصال است - اگر پادشاه در امور مملکت مسئولیت داشت و امور مملکت بر طبق مصلحت مردم جریان پیدا نمی کرد آیا ادامه این وضع منسرمی بود و آیا خواهی نخواهی مصلحت عمومی اصلاح اینوضع را موجب نمیکردید بنا بر این ثابت بودن مقام سلطنت منافی با داشتن و قبول مسئولیت است نخست وزیر و وزیران مملکت از آنجهت مسئولند که می شود آنها را تغییر داد و معزل نمود مجلس هامی آیند و میروند نخست وزیران وزیران می آیند و میروند ولی پادشاه است که مادام العمر بر مملکت ریاست عالی و نظارت پدرا نه دارد (صحیح است) و مانند کوه بر جای استوار است - پادشاه مظهر ملت است سلطنت مقام شامخ و مقدس است که دور از حب و بغض امور و نوسانها و جزر و مدهای زندگی اجتماعی بمملکت و ملت ریاست و نظارت عالی پدرا نه دارد و بتمام افراد ملت با چشم مهر و محبت و پدری نگاه میکند و آخرین ملجاء و پناه گاه آنهاست . قلوب افراد ملت تحت سلطنت پادشاه است . پادشاه مملکت باید بر قلوب ملت سلطنت کند

تنها طریق این راه یافتن بقلوب مردم هم قدم و همراه بودن پادشاه با آمال و آرزوها و خواسته های اکثریت ملت و متابعت مقام سلطنت در افکار عمومی مردم است (صحیح است) که هیچگاه اشتباه نمی کند و بلفظ کام بر نمیدارد . مطابق یکی از اصول قانون اساسی ایران سلطنت و دیهه است که از طرف ملت بشخص پادشاه تفویض شده و مطابق یک اصل دیگر قدرت پادشاه ناشی از ملت است بنا بر این پادشاه از ملت است و برای پادشاه هیچ چیز از ملت نزدیکتر نیست - حال اگر در تشکیلات مملکت سازمانی باشد که بین پادشاه و مردم حائل بشود و موجبات دوری شاه را از ملت فراهم نماید وجود یک چنین سازمانی بر خلاف مصلحت شخص پادشاه است از این رو است که تعطیل مجلس سنا بنبف مقام سلطنت تشخیص داده می شود مادام که اقتدارات کشورهای مشرق زمین در دست پادشاهان و فرمانروایان مطلق العنان و مقدرات ملل این خطه در پید اختیار حکومتهای مطلقه بود کشورهای استعمارگر سعی نمودند پادشاهان این کشورها را آلت اجرای مقاصد غیر مشروع خود قرار بدهند و از این تمرکز قوا در دستهای واحد بسود سیاست خود استفاده کنند بعد از آن که نسیم آزادی به مشام ملتها رسید سیاستهای استعماری کوشیدند حتی المقدور نگذارند عنان اختیار کاملاً از کف پادشاهان خارج شده بدست ملتها در آید و روی این اصل و منظور سازمان های دموکراتیک این کشورها دارای طبایع و ساختمانهای ضد و نقیض گردیده و با جنبه های غیر ملی آلوده شدند - اگر ما فکر کنیم که در باره مرجع مظفرالدین شاه اعطاء کننده مشروطیت و نویسندگان فرمان مشروطیت و قانون اساسی و یامحمد علی میرزای مستبد و مرتجع مبتو نست با تفویض کلیه اختیارات و اقتدارات سلطنت و هیئت حاکمه آن زمان به واصله های ملت موافقت نماید تصویری بس باطل کرده و دور از حقیقت قدم برداشته ایم این مطلب بر مذاق قتی بیشتر محرز و مسلم می شود که باوضاع و احوال آن زمان توجه کنیم و بدانیم که نهضت مشروطه خواهی ایران آن قدر قدرت نیافته و بر اوضاع مسلط نگردیده بود که یکباره تمام آثار و علائم حکومت مطلقه را از ریشه و بن براندازد و نهال پاک و خالص مشروطیت را بجای آن بنشانند - مجلس ارتجاعی سنا از آن شاخه های کهنه و پوسیده افکار حکومت مطلقه است که بر نهال جوان مشروطیت ایران پیوند گردید ولی مقاومت بعضی پرچمداران نهضت آزادی ایران مانع گردید که این پیوند پیر بر نهال جوان مشروطیت بر رویه این بود که پیوند کهن سنا بر روی ساقه جوان مشروطیت ایران زنده نشد و بارور نگردید و بسوخت.

سیاست استعماری انگلستان که ادامه تسلط بر منابع نفتی ایران یکی از هدفهای

برجسته و مهم آن بود نتوانست بشیند و با خون سردی ناظر و شاهد ورود نمایندگان حقیقی مردم بعمارت بهارستان گردد - راه یافتن این مردم بیارلمان ایران و زیاد شدن عده آنها بر روز زمان ممکن بود بساط شیطانی کمیانی سابق را در هم نوردد این بود که بمصداق علاج واقعه قبل از وقوع این سیاست مغرب مرزوبفکر چاره افتاد.

پادشاه جوان و فرنک دیده آزادمنش ایران نتوانست و حاضر نبود نقش یک دیکتاتور خون خواری را که لزوم خفه و در غنچه پایمال کردن نهضت ملت ایران ایجاب مینمود بازی کند - هزیرورزم آرا دو برک برنده و دو خربه برنده بودند که سیاست کهنه کار ذر آستین داشت - نقشه واقعه ۱ بهمن کشیده شد اما ستاره اقبال ایران مثل همیشه بلند بود و خدای بزرگ حافظ نظر است پادشاه معصوم ایران فدای مطامع خارجیان شده و بانسلط یافتن یک قلدر مطمع آزادی های این کشور باستانی دستغوش آرزو حرس بیگانگان گردد نیم قرن دیگر با بیشتر سایه شوم کمیانی سابق بر این مملکت گسترده باشد - مشیت الهی بر این فرار گرفته بود که پادشاه جوان بخت ایران از این مهلکه بطور معجزه آسا جان در ببرد تا بعد ها با نهضت بزرگ ملت خود هم آهنگ و هم صدا گشته بساط شیطانی استعمارگران را از کشور خود برچینند .

با اینکه بحمد الله منظور اساسی اجانب و همدستان داخلی آنها از نقشه ۱ بهمن ماه بدست نیامده بود ولی همانطور که رویه دیرینه سیاست استعماری کهنه کار است و از پیش آمدها همیشه به نفع خود استفاده می کند بهره برداری از این واقع را شروع نموده - باید از بیم و سوسو ظنی که از این این پیش آمد برای شاه پیدا شده بود استفاده نموده و میان شاه و مردم خدائی انداخت و به اختناق ازادی ها دست بکار شد و تا فرصت باقی است از نهضت مردم ایران جلوگیری نمود و زمینه را برای تثبیت وضع کمیانی لغتی آماده گردانید - اختناق مطبوعات یار کن چهارم مشروطیت تبعید و حبس آزادیخواهان و سران نهضت ملی ایران تصویب قانون آزادی کش مطبوعات تشکیل مجلس مؤسسان قلبی بمنظور بسط اختیارات پادشاه و ایجاد حق و توبه مصوبات مجلس و حق انحلال پارلمان و بالاخره زنده گردن پیوند کهنه و جسده ۴۳ سال خشکیده سنا از هدفها و مقاصدی بود که سیاست فرتوت استعماری و همدستان خوش رقص آن در صحنه سیاست داخلی این مملکت بمعرض نمایش در آوردند من وقتی منظره مراجعت شاه را از سفر آذربایجان که پادشاه جوان و محبوب ایران را هزارها مردم این شهر مثل جان شیرین در میان گرفته و مقدم اورا گرامی می داشتند بیاد می آورم و با آرزوی که چند سال بعد همین پادشاه برای تقسیم

زمینها بوزمین و میرفتند و بر تمام بلندبها و آبهای عرض راه فراوان با مسلسل و تفنگ باس میدادند تا همین مردم بدو شاه خود نزدیک نشوند مقایسه میکنم برشکافی که بدست اجانب و عمال آنها بن شاه و ملت ایجاد شده بود تا سرف میخورم خوش بختانه باز ستاره اقبال ایران بلند بود و حسن تشخیص پادشاه جوان بخت ایران و حسن تدبیر نخست وزیر فملی ایران و هم آهنگی و پشتیبانی پادشاه از ملت ایران در امر ملی کردن صنعت نفت و اجرای خلعید و بستن قنصلگریها و قطع رابطه با انگلستان و موافقت با انحلال مجلس سنا تمام موجب قوام و استحکام مبانی سلطنت مشروطه ایران و محبوبیت پادشاه رفوف و مهربان مادر بین مردم و ملت گردید و اگر امروز از ناحیه افرادی مغرض کوشش میشود که تعطیل مجلس سنا را بدولت نسبت بدهند و باین ترتیب بین شاه و دولت میجوهند ایجاد سوءظن و نفاق کنند و باینکه در روز چهارم ابان مشتقی مردمان اغفال شده بامزدور در مقام جسارت بمقام شامخ سلطنت بر آیند یا اینکه رادیولندن زبان بید گوئی نسبت به پادشاه مملکت ما بگشاید و هیچکدام اینها آن زنجیر محکم و یولادینی را که شاه و ملت و دولت را در راه هدف مشترک سعادت و تعالی ایران بهم پیوسته است سست نخواهد نمود و بر آن رخنه وارد نخواهد ساخت

بطوریکه قبلا عرض شد تعطیل مجلس سنا در درجه اول برفع مقام سلطنت می باشد چه با انتخاب سی نفر سناتور از طرف مقام سلطنت و آن هم از میان همان طبقاتی که بطور کلی مسئول بدبختیهای مردم هستند از قبیل نخست وزیران و وزرا سابق و سفرای کبار و سر لشکرها و سپهبد های باز نشسته و قضات و غیره نمیتواند در نظر مردم پادشاه مملکت را از نتیجه اعمال و افعال و کردار آن منتخبین دور بدارد و خواهی نخواهی غبار کدورت بر آئینه محبت مردم خواهد نشست و آنکهی با قبول این مسئولیت بزرگ که منافی با اصول قانون اساسی است چه نفعی عاید مقام سلطنت میگردد - از اینکه مجلس سنائی باشد یا نباشد چه فرقی برای مقام سلطنت که بر قلوب و احساسات ملت ایران تنگیه باید داشته باشند و دارند خواهد کرد و می کند

نکته دیگر آن است که همانطور که قبلا بمرض رسید اصول راجع بمجلس سنا از آن قسمتهای اساسی مشروطیت نیست (صحیح است) که جزاً یا کلاً تعطیل بردار نباشد اگر مجلس سنا از آن قسمتهای اساسی مشروطیت می بود که ۴۳ سال در بوته فراموشی و تعطیل قرار نیب گرفت و از همان بدو مشروطیت تشکیل میگردد اگر مجلس سنا از آن قسمتهای اساسی مشروطیت ایران بود که تعطیل بردار نبود خود قانون اساسی نفوه عدم انعقاد

و تعطیل آنرا نمی نمود و در اصل چهل و هفتم نشست «مادام» که مجلس سنا منعقد نشده فقط امروز نظر از تصویب مجلس شورای ملی صحیح و همایونی موشح و بموقع اجرا گذارده خواهد شد « یا اینکه در مقدمه اصل ۴۶ نوشته نمیشد «پس در انعقاد مجلس سنا الخ» (مهندس حسینی - انشاء الله هیچوقت تشکیل نمیشود) «مادام» که مجلس سنا منعقد نشده» و مجلس سنا ۴۳ سال منعقد نمیشود باید - چنین نتیجه گرفت که خود قانون اساسی عدم انعقاد مجلس سنا را پیش بینی و تجویز نموده است بنا بر این مجلس سنا را جزو آن قسمت از اساس مشروطیت که تعطیل بردار نیست تلقی کردن منطقی و صحیح نخواهد بود اصولاً در یک کشوری که تمام تصمیمات در امور - مملکت باید از طرف مردم یعنی نمایندگان آنها از طرف مجلس شورای ملی اتخاذ - گردد وجود مجلس سنائی که نیمی از اعضاء آنرا پادشاه مملکت انتخاب کند مخالف با اصل حکومت مردم است بخصوص که تصمیمات این مجلس سنا بتواند ناقض تصمیمات مجلس شورای ملی یعنی مردم ایران بشود و آنها را خنثی کند

از طرف دیگر یکی از اصول دموکراسی حکومت عده و اکثریت است - آیا مطابق این اصل مسلم میتوان آراء یکگانه مرکب از (۱۳۶) نفر را که نماینده ملت باشند تابع آراء (۶۰) نفر که فقط نیمی از آنها یعنی ۳۰ نفر اسماً نماینده مردم باشند نمود آیا در این صورت اقلیت بر اکثریت حکومت نخواهد نمود

در قانون اساسی ایران بفریاد مجلس سنا چیزهای دیگری پیش بینی شده که تا بحال هیچوقت عملی نشده است مثل انجمن های ایالتی و ولایتی

دیوان محاسبات یکی از تشکیلات - مهمی است که در قانون اساسی با یک کیفیت خاصی پیش بینی کرده ولی متأسفانه فقط در یک مدت خیلی کوتاهی بین سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۸ بطور ناقص پیدان عمل شده است از این مقدمات و هراضی باین نتیجه می رسیم که مجلس سنا بکیفیتی که انتخاب آن در قانون اساسی پیش بینی شده نه از واجبات مشروطیت است و نه در حال حاضر به نفع مملکت میباشد (صحیح است) اگر مجلس سنائی برای مملکت لازم باشد مجلسی است که تمام نمایندگان آن منتخب مردم باشند که اگر لازم بود در موقع تجدید نظر در قانون اساسی مورد مطالعه مجلس مؤسسان واقع گردد (احسن است)

فایده نویسی - آقای مدرس و آقای ذکائی میخواهند از حقشان یعنی از تقاضایشان استفاده کنند؟ (مدرس - بلی آقا) بفرمائید

مدرس - چون امروز ما موضوع اصلاحات داخلی از اهم مسائل مورد توجه است و همه باین حقیقت ایمان داریم که ملت

ایران در مبارزات دامنه دار و نهضت مقدس ملی خود هیچوقت کاملاً کامیاب خواهد شد که اوضاع داخلی اصلاح گردد لذا بنده لازم می دانم مطالبی را بمرض ملت ایران و نمایندگان محترم مجلس برسانم و نظر دولت را باین نکات اساسی جلب کنم

قبلا باید عرض کنم گرچه در بیستم مرداد ماه سال جاری بجناب آقای دکتر مصدق اختیاراتی داده شده است ولی آقایان تصدیق می فرمایند که این اختیارات محدود بمواد نه گانه بر نامه دولت است نه کلی پس بر نمایندگان است که دولت را در حدود اختیاراتی که دازد ارشاد و هدایت نمایند و در خارج از حدود اختیارات نظر بمسئولیت خطیری که دارند طرحائی تهیه و پیشنهاداتی نمایند

مبارزه سنگینی که اکنون ملت ایران در جریان آن است مستلزم فداکاری - از خود گذشتگی و فعالیت زیاد از طرف عموم طبقات خاصه زعمای قوم است تا بتوان با تأییدات خداوند متعال این موضوع حیاتی را بموازات تأمین سایر اصلاحات کشور پایان بخشید ، اگر مجلس و دولت در راه اصلاح حال مردم قدمهای سریع و مؤثر بر ندارد مردم مایوس می شوند و عواقبی را که اعم از مثبت یا منفی بریاس مترتب است خود آقایان بهتر از بنده می دانند که اگر منفی باشد ملت یکبارہ تسلیم انحطاط و اضحلال خواهد شد و در صورت مثبت هم عکس العمل زیان بخش و ملک برباد دهی بظهور خواهد پیوست

تصدیق داریم سرطان فساد و بدبختی که در طی سالیان دراز در تمام ششون این کشور بدست عوامل داخلی و خارجی ریشه دو انده باین آسانی قطع نمی گردد ولی توقع مردم این است که با یک نقشه وسیع تر و سریع تر قدمهای مؤثری در راه اصلاحات برداشته شود و برای طی این مسافت دور و دراز انصر طرق انتخاب شود

قبل از شروع بمطلب می خواهم عرض کنم مطالبی که بمرض نمایندگان محترم میرسد تا زگی ندارد و عموم نمایندگان که غالباً اهل فضل و کمال و بعضاً از اساتید بنده هستند این موضوعات را بخوبی می دانند و بعضاً باین واقعیات نیک آگاہند ، منظور بنده فقط عنوان یاد آوری و تذکره بیان در ردل و انجام وظیفه را دارد که آنچه از دست می آید انجام دهم و هر چه دزدل دارم و صلاح ملت و مملکت تشخیص می دهم بیان کنم مبدا در ادای سنگین ترین تکالیفی که بگردن دارم قصوری کرده باشم

موضوعی که امروز می خواستم بمرض برسانم این است که از چندین سال قبل مخصوصاً از واقعه شوم شهریور ماه ۲۰ باین طرف تهران مانند مقناطیسی تمام ثروت و شخصیت های فعال و مؤثر ایران را از هر دست و طبقه بسوی خود جلب می کند بطوریکه دائماً

سبلی از اشخاص و ثروت از طرف او کفاف ایران بطرف مرکز در جریان بوده و هنوز هم ادامه دارد (صحیح است) تهران بشهرت عجیبی بزرگ و آباد می گردد اراضی بایر و موای بقیمت های گزاف خرید و فروش می شود

هر روز و هر ساعت ساختمان و آپارتمان نویسی بر افراشته میگردد

البته اگر سایر نقاط ایران نیز همین طور یا به نسبت کمتری آباد و معمور می شد جای تشکر و خوشوقتی بود لیکن باید چندین خانه و ده ویران و منهدم گردد تا یک ساختمان در شمال تهران ساخته شود و باید چندین خانواده در دهات و شهرها بی خانمان و در بدر گردد تا یک خانواده بر ساکنین پایتخت اضافه شود (صحیح است - صحیح است)

تجسم عواقب هولناک این جریان است که زیبایی های خیره کننده پایتخت و مظاهر تمدن آن را بصورت خاری دل شکاف بچشم هر بیننده مآل اندیش فرو می برد (صحیح است) و ویرانی ها و در بدریهای که در قفای کاخهای سرفلک کشیده خفته و نهفته است حسن و ارزش آنها را نابود میسازد بمصدق شعر معروف:

مرا ز سیر چمن غم ترا نشاط رسد تو خنده گل و من داغ لاله می بینم (احسن است) بنده که از تبریز آمده و از نزدیک شاهد وضع ده ساله اخیر آذربایجان بوده ام میدانم که مردم تحت چه اجبار و فشار دست از مسکن و ماوای خود میشویند و راه غربت پیش می گیرند بطوریکه قریب نصف خانه ها و منازل تبریز و سایر بلاد آذر بایجان برای فروش عرضه می گردد

این وضع خطرناک مولود سیاست های ناروا و غلط اقتصادی است که دوات ها تا کنون در پیش گرفته اند شدت تمرکز امور در تهران و عدم توجه بروابط و حقوق رعیت و مالک درازمنه پیش و نبودن امنیت قضائی و عدالت اجتماعی ، شیوع ظلم و بیدادگری ، اجعافات ادارات دولتی و عوامل دیگر باعث گردیده است که از طرفی هر سوداگر و تاجری برای استفاده از تسهیلات و سرعت انجام مقررات بازرگانی که در پایتخت فراهم است بساط تجارت خود را از شهرستانها برچیند و از طرف دیگر بهره و عایدات کشاورزی بدون تأمین کوچکترین ضروری ترین احتیاجات اهل محل بتهران سرازیر گردد و بدین نحو ثروت کشور بجای صرف در راه توسعه و تولید های صنعتی و فلاحتی در بانک های بیگانه بصورتی عاطل و باطل از جریان اقتصادی خارج گردد هر جا هم که طبقه ثروتمند نتواند مسکن گریه ناچار سایر طبقات را نیز بدنبال خود می کشاند و بدین ترتیب صنعتگران و پیشه واران که امکان

کسانی که فکرمی کنند و این اختیارات امور محلی باهل محل قدرت مرکزی کشور را می کاهد اشتباه است زیرا عدم رضایت مردم و توجه نکردن مرکز به امور محلی و ولایات و دست بسته شدن اشخاص کاردان و فهمیده محلی و تصمیمات ناشیانه اولیای امور پایتخت مردم را یکباره مایوس و نا امید می کند البته باید در انتخابات اعضای انجمن و طرز کار و حدود اختیارات آنان سعی و دقت کامل نمود و نهایت حزم و احتیاط را بخرج داد زیرا دادن اختیارات امور محلی باهالی هر محل بمنزله دارویی است که بیض داده میشود قبلاً باید موضع مزاجی و استعداد جسمانی و موقع و مقام را ملحوظ داشت و دارو را بمنزله ضرورت داد که افراط موجب هلاکت است و تفریط باعث ندامت

طرز حکومت مردم بر مردم در دنیا بدو صورت انجام میشود که بر مرکزیت اصلاح شده است البته آقایان نمایندگان محترم که غالباً از اساتید هستند تصدیق می فرمائید که رژیم مشروطه با مرکزیت این است که دستگاه حاکمه مرکزی در تمام امور کشور دارای نفوذ کامل بوده و کلیه مسائل مربوط به امور کشور در همه شهرستان ها و بخشها بنظر هیئت حاکمه مرکزی قطع و فصل شود این رژیم در کشورهای که بین مردم ولایات اختلاف زیادی از حیث شئون اجتماعی وجود ندارد بسیار مفید است

علمای حقوق مرکز را بشمیری تشبیه کرده اند که قبضه آن در مرکز و نوک آن در بقیه نقاط کشور است

La centralisation est une épée dont la poignée est dans la capitale et la pointe dans le reste de l'état.

عدم مرکزیت این است که مردم هر سختی در امور محلی هر بوطه بناحقه خود ذی دخل و ذی رای باشد و این طرز حکومت مقصد نهائی رژیم دیموکراسی است زیرا بسی دشوار است که افراد معدود در مرکز بتوانند بر تمام امور کشور و بخشهای تابعه محیط بوده و بمصلحت آنان عمل نمایند بدین جهت است که برای جلوگیری از مایب مرکزیت و بمنظور هم آهنگ ساختن اداره امور کشور بمقتضای هر محلی در کشور های مترقی بروش عدم مرکزیت متوسل شده اند باین معنی که اداره امور محلی هر محل را بمعهده اهالی آن محل واگذار می کنند

تامنخبین محلی که بهتر از ادارات مرکزی قادر بشخص مصالح محل خود هستند امور محلی را اداره کنند و بار حکومت مرکزی هم بالنتیجه سبکتر میشود و وقت اوصرف انجام امور همه کشور و مصالح عالی

مملکت میگردد و در اثر رقابت بین بخشها و نواحی و مسائل ترقی و پیشرفت بیشتر فراهم میشود

از معاصرین دیگر عدم مرکزیت این است که اولاد این سیستم کارهای اداری مربوطه زودتر حل و فصل میشود و احتیاجی نیست که برای اتخاذ تصمیم نسبت به کوچکترین کاری از قبیل توسعه معبری در فلان قصبه مثلاً یا چاپ اوراق اداری و امثال اینها بمرکز مراجعه شود و پرونده ها روی میزهای مأمورین مرکزی مدهتا بخواهد آنهم در این مملکت که مأمورین غالباً بوظیفه خود حامل نیستند و کاری را بدون تعقیب و فشار انجام نمی دهند و حق و عدالت در نظرشان مفهومی ندارد و مبنای کار اقدام معامله متقابل یا قبول توصیه یا رقابت یا خصوصیت و یا عوامل دیگر است نه در ایران بلکه در تمامی بلاد عالم شدت مرکزیت باعث بطوه جریان و سرگردانی و معطلی مردم ولایات است در یکی از روزنامه های پایتخت خواندم که در تیرماه سال جاری جنگلی در دشت مغان مدت سه روز دچار حریق میگردد و این حریق بقراء مجاور سرایت کرده هستی مردم را دچار طعمه آتش می سازد پس از سه شبانه روز وزارت کشور از مجاری اداری بوسیله مقامات صلاحیت دار استحضار حاصل می کند ولی ظاهراً اطفا حریق را در حدود صلاحیت خود تشخیص نمی دهد و مراتب را با اطلاع شیر و خورشید سرخ می رساند تا در این موضوع اقدام لازم را معمول دارد

دوم - در مسائل محلی مخصوصاً بهداشت و احتیاجات کشاورزی و صنعتی مقررات متحد الشکل در تمام کشور نمی تواند اجرا شود زیرا هر محل از حیث آب و هوا و امراض بومی و نوع خاک و استعداد کشاورزی و غیره وضع خاصی دارد

سوم - منافع محلی بواسطه مأمورین محلی که بوسیله خود اهالی محل انتخاب میشوند بهتر منظور و حفظ می گردد زیرا اشخاص محلی بهتر باوضاع محل و احتیاجات آن آشنائی دارند مثل معروفی است که (از دور میتوان حکومت کرد ولی نمی توان اداره نمود)

On peut gouverner de loin mais qu'on n'administre bien que de près

چهارم - چون انتخاب شدگان در امور محلی ذی علاقه هستند در امور و مسائل مزبور بیشتر مطالعه و مذاقه می نمایند توضیحاً عرض میشود که مقصود بنده از عدم مرکزیت مفهوم لغت **De centralisation** میباشد نه **Deconcentration**

زیرا نوع اخیر که عبارت از دادن قدرت کافی بمأمورین محلی میباشد منظور ما را تأمین نمی نماید بلکه برخلاف مصالح مملکت ما است زیرا چنانکه عرض شد باید نهایت حزم و احتیاط مرعی گردد بالاخره دولت باید برای این موضوع اساسی فکری بکند و نقشه ای بکشد که اکثریت مردم حاکم

بر مقدرات خود بوده و با از بین رفتن شدت مرکزیت اهالی ولایات نفع خودشان را در مراجعت بزاد بوم خود بدانند عجلتاً آنچه بنظر بنده می رسد این است که :

اولا - بانجمن های شهرداری اختیارات بیشتری اعطا گردد و در انتخاب استانداران نهایت دقت را بعمل آورده و در بعضی از امور مهم محلی از قبیل مسائل بهداشت و طرز اجرای برنامه فرهنگ و امور کشاورزی و امثال آنها بآنان اختیاراتی داده شود که بتوانند با مساعدت انجمن های شهرداری قسمت عمده ای از امور محلی را در محل انجام داده و برای هر امر جزئی بمرکز مراجعه نکنند و موجبات ناراحتی و نارضایتی مردم را فراهم نمایند

آقایان شاهدند که هزاران نفر از اهالی ولایات برای تحصیل جواز مسافرت بخارج یا تعقیب اموری که از وظایف ادارات مرکزی است و کوچکترین اهمیتی نمی دهند و امثال اینها در مسافرخانه های تهران و بیلا و سوز گردان هستند

دوم - وزارت اقتصاد ملی سهمیه وارداتی هریالت را نسبت به جمعیت خود آن ایالت ببازرگانانی بدهد که ساکن همان ایالت بوده و مرکز تجارتی شان آنجا باشد بشرط اینکه جنس مربوط به همان سهمیه وارد گمرک یا اداره مربوطه خود آن ایالت گردد

در این صورت حق مردم ولایات بخودشان می رسد و تبعیض عجیبی که بین مرکز و ولایات وجود داشته و مردم را تشویق باقائه در تهران می نماید از بین می رود و نیز در اثر وارد شدن جنس بهمان ایالت مردم قسمتهای تابعه آن برای آنکه کالا را از دست اول بخرند در همان ایالت ساکن میشوند همچنین نسبت به تجار ساکن ولایات دولت باید تسهیلاتی قائل شود که نظیر آن تسهیلات را به تجار ولایات مرکزی نشین قائل نگردد و نیز محصولات کارخانه های دولتی از قبیل قماش و نخ و صابون و گونی و شکر امثال آنها در مرکز فروخته میشود و اهالی شهرستانها باید نفعی به تجارت مرکز نشین بدهند و استفاده کنند و این ترتیب باید تعدیل گردد

سوم - دولت بایه برای ساکنین دهات و قصبهات بیشتر از شهرها و برای سکنه شهرها بیشتر از مرکزها حقوق و مزایا قائل شود در صورتیکه فعلاً امر کاملاً برعکس است

چهارم - باید اقسام امنیت ها از قضائی و سیاسی و غیره در ولایات و دهات تأمین شود دهاتی که از صبح تا شام زیر آفتاب سوزان جان میکنند و بهره ای از حیات و زندگی ندارد لااقل حقوق وی از تمدنی و تجاوز مأمورین و حقوق مردم ولایات از تعرضات گوناگون مصون باشد بخدا شرم دارم عرض کنم چه جوهری از خون دل بیوه زنان و پیر-

مردان و اصناف و کسبه و اداری و غیرها در شرکت های بزرگ از بین رفته و اگر هم جمعی بمقامات قضائی شکایت کرده اند بعضی نمونه یکی هم به نتیجه نرسیده است این خود داستان مفصلی است که فعلاً وارد جزئیات نمی شوم و اگر سری بزندانها بزنید خواهید دید چه کسانی بچه عناوین بوجبی زندانی هستند و چه جنایتکارانی آزادانه میگردند و بریش هر چه درستکار و وطن پرست و اصلاح طلب است می خندند

پنجم - دولت باید از صنایع بومی هر ولایت حمایت کند و نگهدارد در اثر رقابت های خارجی یا گرانی مواد اولیه یا مقررات خشک و بی مغزی که ظاهراً بمنظور حمایت ولی باطناً برای آزار مردم و تخریب اساس صنایع داخلی است از بین برود مثلاً منسوجات وطنی در آذربایجان بسیار قابل توجه است کارگر با استعداد آذربایجانی که بادستگاه چوبی و وسایل کاملاً ابتدائی در نهایت عسرت و تنگدستی پارچه هایی می بافد که بسایک قسمت از منسوجات خارجی هم رقابت میکنند باید بیشتر تشویق بشود

ششم - راه آهن میان به تبریز متصل شود تلمه مو قنبرای بیکاران کار ایجاد گردد و هم بهره برداری کامل از آن ممکن شود و الا باوضع فعلی تمامی مساعی و مخارج دولت بی نتیجه است و بر فرض اینکه باوضع مالی دولت فعلی تا تبریز ممکن نیست لااقل تا مراغه که خرج زیادی ندارد و مقدمات آن تقریباً فراهم است امتداد یابد

هفتم - برای سکنه تهران اعم از بازاری یا اداری یا طبقات دیگر و مسائل ترقی و پیشرفت بیشتر فراهم است کسبیکه در ولایات ساکن است وزارتخانه ها توجهی بحال او ندارند و از صدها نامه بیک نامه او نتیجه نمیدهند همه شاهدیم که از طبقات تحصیل کرده اعم از طبیب و قاضی و کشاورز و غیرهم کمتر کسی است که حاضر بر رفتن بولایات باشد

بالاخره دولت باید سیاستی اتخاذ کند که مردم خودشان را ذی نفع در اقامت در ولایات بدانند و اگر در این باب اقدام مؤثر و فوری نشود در اثر مهاجرت مردم به تهران ثروت نیز به تهران منتقل میشود و فعالیت اقتصادی و تولیدی شهرستانها روبه نقصان و نابودی میگردد

بنده اصلاح امور ولایات را ام الاصلاحات میدانم و بنا ببتجار ب تلخ و غیرمتدی که در ایران دیده ایم و نتایجی که در ممالک دارای اصول مرکزیت شدند بدست آمده اصلاح مملکت بدون توجه بوضع ولایات و دهات که حکم بنیان و بنیان را دارند تصوری است باطل و خیالی است محال

در خاتمه نظر دولت را در تنظیم لایحه استقلال شهرداریها تأیید می نمایم و آن را یکی از ابواب اقدامات مفید دولت میدانم ولی اثرات نیک آن وقتی ظاهر خواهد شد

بضاعت آمدن به تهران را دارند یارودیار خود را ترک می کنند و دور سرمایه دار را در تهران می گیرند و بالتبجه یکمده تھی دست فلک زده که نه یاری مهاجرت بنقطه دیگر و نه امکان امرار معاش در محل را دارند در آغوش فقر و مسکنت بجای می مانند و با فقر و استیصال دست بگریبان می شوند و بتدریج هذرات احتیاج و تنگدستی و فشار ناچار بطرف مفاسد سیاسی و اجتماعی و اخلاقی سوق داده میشوند

اساسی ترین بدبختی های این کشور وجود دو زندگی متمایز است که شکاف هولناکی بین طبقات ایجاد نموده و جز با یک سلسله قوانین و اقدامات جدی و سریع قابل مرمت و التیام نمی باشد

یک طبقه بر اثر لذات و شهوات و غوطه در ناز و نعمت فاسد و تباه گردیده و برای جامعه سرباری بیش نیست، طبقه دیگر شانه اش زیر بار فشار و زحمت خورد شده و برای ادامه حیات پرمشقت خود حتی از تحصیل نان خالی و خشک عاجز است (صحيح است) مثل آن وارث رندی که فاطر چموش با بار را خود بر میداشت و گربه زیبا را برادرش می بخشید در این مملکت راحت و شادی و رفاه بیکدسته و رنج و زحمت و مشقت و جان کنی بدسته دیگر نصب گردیده که اگر هر چه زود تر یک راه حل عادلانه و تدبیر عملی برای تمذیل آن اتخاذ نگردد خواه و ناخواه جبر تاریخ باین بیداد گریها و حق کشی های پایان خواهد داد اما بصورتیکه شاید خدا نکرده هستی و استقلال ما بر سر این ماجرا از دست برود زیرا تاریخ روزگار نشان می دهد و ادیان عالم با صدای بلند گوش جهانیان می رسانند که هیچ قومی و ملتی از بین نرفت و نام آنان از صفحه روزگار معوشد مگر در اثر ظلم و بیداد گری و نبودن عدالت اجتماعی

شاید عده ای ذکر این حقایق تلخ را بطللی جایز و مناسب ندانند ولی بنده از نظر آینده مخوف و هولناکی که در صورت ادامه این وضع پیش بینی می نمایم ناگزیرم برای ایفای وظیفه وجدانی و ادای حق سو گندی که در این مقام یاد کرده ام از عرض عقاید و نظریات خود کوتاهی نورزم زیرا هر ساعتی که می گذرد مرضی را مژمن تر و راه علاج آنرا مسدودتر میسازد

چند نفر از وزراء در این نزدیکی به آذربایجان خواهند رفت تا اوضاع آن ایالت را از نزدیک مشاهده کنند ولی تقاضا می کنم راه و رسم کهن را بر اندازند و صف متشکل خواص و اقویار در هم شکنند و بگروه فقرا و محرومین و ستم دیدگان راه یابند و در کوی و برزن مستندان پیاده بگردند و در مردم را از دردمندان و حقایق

را از زبان بی زبانان بشنوند و به بینند همان کسانیکه باین خسته و نرسور سرری شام بر بالین خواب می نهند چگونه در احساسات میهن پرستی و اطاعت بقوانین بی فشار و یا بر جاسهتند تا تاریخ ایران بیاد دارد آذربایجان همواره سینه خود را در برابر حوادث و تجاوزاتی که متوجه ایران بوده سپر ساخته (صحيح است) و پیوسته مانند یک عضو وفادار برای فداکاری در راه حراست وطن مباحث و وزیده و خواهد ورزید و بادست توانای خود دست برد بسینه نامجرمان خواهد زد و بکسی اجازه نخواهد داد که با چشم خیانت باین سرزمین مقدس نگاه کند و پیوسته بزبان حال گفته و خواهد گفت

با وجود تنگدستی روسیه بادم چوه ماه گر نظر در فیض خورشید بلند اختر کنم (احسنت - احسنت)

آذربایجان عزیز و شرافتمند که این جانب افتخار نمایندگی آن را دارم بواسطه حساس بودن موقعیت و صدماتیکه تاحال به عناوین مختلف دیده و کمتر مورد توجه واقع شده سزاوار عطف نظر بیشتری است من با کمال شرمساری که از مردم آذربایجان و بار جای واقعی که بتوجه خاص نمایندگان محترم و اولیای دوات دارم تقاضا می کنم بمرایض بنده که ترجمان حال میلیونها مردم این کشور است توجه فرمایند بلکه کاری کنیم که مردم ولایات عموماً و مردم آذربایجان بالخصوص آسوده شوند و از این نقطهای پشت تریبون لافل چند فقره اش به نتیجه ای برسد و بدرد مردم دوا کند

اصولاً باید تدبیری اندیشید که این روح یأس و بدبینی نسبت به دستگاههای دولتی بالمره از مردم زایل شود و جای خود را بخوش بینی و صمیمیت و همکاری بدهد چرا خود را گول بزینم و یا حقایق عریان را با فلسفه و توجیهات غلط بیوشنیم از سالیان دراز تمام دستگاههایی که باید حافظ جان و مال و ناموس مردم باشند در کلیه نقاط کشور وضعی بخود گرفته اند که جز ضعیف کشی و قوی نوازی کاری انجام نمی دهند و بگفته دانشمند اسپانیایی مانند تارکنتکوت هستند که هر گاه مورچه یا مگسی ناتوان بدامشان بیفتد آن را اسپر و زبون می سازند و هر گاه حشره قوی در آن پا گذارد تارهایش را درهم می گسند و فرار می کند علاوه بر مجریان قانون خود قوانین هم طوری تنظیم گردیده که همدنی غیر از تأمین و حفظ منافع اقویاد بر نداشته و از کوچکترین اثر در مورد بهبود وضع اکثریت ملت عاری میباشد

آقایان نمایندگان تصدیق می فرمایند که اگر رژیم مشروطیت و حکومت مردم بر مردم ندا نکرده در انجام اصلاحات اساسی و قطع ریشه های فساد و بدبختی قصور نمایند

و خود را عاجز و درمانده معرفی کنند ملت را قهراً بیکی از دوراه - طرناک سوق خواهد داد که یکی استبداد سکور و بی رحم و دیگری انقلاب کم تجربه بی نقشه است که منتهی الیه رود فنا و اضمحلال است

تنها راهی که در پیش داریم این است که نهضت عظیم فعلی با اقدامی شدید و حرکت منظم و مستمر و روی نقشه صحیح و معین از طرف مجلس تعقیب میشود و منافع اکثریت ملت را در نظر گرفته و با مفاسد و خرابکاریهایی که زاده مطامع اقلیت فاسد است مبارزه بی امان نماید اساس ظلم و بیداد گری را منهدم سازد و بر روی این تشکیلات و قوانین پوسیده و پوشالی بنیاد یک ایران سعادت مند را بگذارد

تنها با گفتن و شنیدن و اظهار میل به اصلاحات این ملت از این طوفان عظیم مفاسد نجات یابند می کنند

باید بگوئیم و عمل کنیم، طبقات ملت را در مقدرات شان سهیم و ذی دخل نمائیم **دکتر مصباح زاده** - این زبان حال مردم شهرستان ها است

نایب رئیس - آقای مدرس اجازه بفرمائید، یک ربع ساعت آقای نریمان زیادتر صحبت فرمودند

مدرس - بنده هم یک ربع دیگر اجازه می خواهم

نایب رئیس - بسیار خوب، پس روی هر فرته آقایانی که موافقت دارند نیم ساعت بیشتر صحبت بشود قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

بفرمائید آقای مدرس (حاج سید جوادی) اگر قیام نکنند تصویب نمیشود؟ مرادم این بود که در این صورت حق سومی تقصیر میشود

مدرس - تا مردم خوشبختی و بدبختی را از خودشان بدانند در اداره امور مملکتی و طرد خائنین و تشویق خادمین قدمهایی بردارند، بالاخره این مملکت خانه مردم ایران است باید بدان علاقه مند گردند و هم در دفاع آن یکدل و یک جهت باشند و در آبادی و عمران آن بکوشند

سالهاست که همه ماها کم و بیش نتایج شدت مرکزیت و مسلط الاختیار بودن مردم را در امور محلی و سیاست کلی دیده ایم، تجربه شده را دیگر نباید تجربه کنیم، و باین وضع خانه برانداز ادامه دهیم، بشهادت خود آقایان محترم غالب قریب تمام گرفتاری هایی که نمایندگان ولایات در مرکز دارند همانا مربوط بمسائل محلی است از قبیل آب و برق و تسطیح راهها و اصلاح معابر و احداث خیابان و گرانی نان و شکایت از رئیس کارمند فلان اداره یا بیمارستان و وضع مدارس و امثال اینها و این نوع شکایات و مراجعات بقدری زیاد است که انسان را مستأصل می کند و در این صورت

علاوه بر اینکه نماینده از وظایف اصلی خود که تقنین قوانین و مطالعه در سیاست صوملی مملکت است باز میماند مساعدت لازم را هم بعمل زیادی نمیتواند در حق مردم انجام دهد و چون مرجعی نیز در ولایات نیست انسان سلب صلاحیت از خود را نیز جایز نمی داند

ما بتجربه دیده ایم که اولیای امور مرکز از وزرا و مدیران کل در تمامی ادوار غالباً از احتیاجات محلی هر ولایت بی اطلاع هستند و اگر هم بخوانند از بیت المال ملت که مخزنی از خون دل مردم است مساعدتی در باره ولایات و دهات بکنند که قسمت عمده آن مورد استفاده متنفذین میشود و صرف ارضای شهوات نفسانی کسان و توصیه شدگان آنان میگردد و بقیه السیف هم غالباً برای اموری مصرف میشود که اساساً مورد احتیاج و جزو ضروریات حیاتی مردم نیست

بطوریکه اگر بجای ساختمان دارائی یا عمارت استناداری تبریز که میلیون ها صرف بنای آنها شده آبی از راه سد بندی رودخانه آچی برای تبریز فکرمی کردند امروز فریاد العطش از هر کوی و برزن تبریز بیوق نمی رسد و زراعت و فلاحات رونقی بسزا میگرفت، برق تبریز از همین راه تأمین میشد، از عواید حاصله چندین دستگاه عمارت ساخته میگردد و نصف بیشتر نارضایتی های مردم از بین می رفت برای تصدیق عرایض ممکن است در کوچه و بازار بگردیم و از طبقه مالیات بده مملکت از هر صنف و هر طبقه بیرسیم که این مالیات را بخزانه دولت چر ا پرداخته اند و میل دارند بچه امری مصرف می شود مسلماً خواهند گفت در مسائل حیاتی و ضروری مطلق نه در مستحبات و امور تفننی و حیف و میل های ناروا و دادن حقوق و مواجب بمنواین مختلف و از چندین محل بارباب نفوذی که آتش حرص و طمعشان خاموش نشده و هل من مزید میگویند

باید اقدامی بعمل آورد که مردم در تعیین سرنوشت خود دخیل و سهیم باشند و باقتضاء تناسب احتیاجات و با صحوایدید اشخاص مجرب و آزموده هر محل و بار عایت حزم و احتیاط لازم و دقت کامل مقرراتی وضع و اجرا شود که شایستگی رفع نیازمندی های محلی مردم را داشته باشد

جای تشکر است که جناب آقای دکتر مصدق قدم مقدماتی را در راه تأمین اختیارات ده نشین ها برداشت و لایحه استقلال شهرداری ها را تصویب و امضا نمود و اصلاح عمران مراکز کشاورزی و دخالت اهل شهر را در امور شهرداری دیباچه اصلاحات کشور قرار داد ولی باید نسبت با ایالات و فراء مملکت عطف توجه بیشتری گردد و باین انحطاط و تنگی آن ها خاتمه داده شود

که قاطبه ملت ایران در انتخاب نمایندگان صحیح العمل و مورد اعتماد خود اقدام کنند و علاقه کامل نشان دهند که این امر پسندیده بنحو ناپسند اجرا نگردد مبادا بی هنران جای هنرمندان نشینند و هنرمندان گوشه عزلت گیرینند و از کسانی هم که مورد توجه عموم هستند و ممکن است بعضویت انجمن ها انتخاب شوند تقاضای کم از قبول این تکلیف اجتماعی و وظیفه نوعی سر باز نزنند و شانه خالی نکنند که شهر هر کس خانه بزرگتر است همانطوریکه در آبادی خانه خود می کوشد باید در آبادی شهر خویش نیز سعی و کوشا باشد بنده بنا تماسی که با طبقات مختلف مردم گرفته و تجاری که در زندگی بدست آورده ام علاج قطعی قسمتی از آلام و مصائب کنونی را در عملی شدن این پیشنهادات می دانم (احسن است)

مهندس حسینی - اما خیلی چیز- هایش هم قابل عمل نیست بسیاری چیزهای درست توتش وجود دارد ولی بعضیهایش هم قابل عمل نیست

۳- اخطار نظامنامه آقای کریمی و توضیح آقای محمد ذوالفقاری کریمی - بنده اخطار نظامنامه ای دارم.

نایب رئیس - بفرمائید **کریمی** - بنده قریب بیست روز است که از دولت راجع به تمهین واقعه سی ام تیر کرمانشاه یک سؤالی کردم آقای وزیر دفاع ملی مطابق مقررات باید برای جواب حاضر شوند متأسفانه بعد از بیست روز امروز هم نیامده اند. استدعای کنم تذکر بفرمائید که طبق مقررات ایشان برای ادای توضیحات در مجلس حاضر بشوند

نایب رئیس - آقای ذوالفقاری **محمد ذوالفقاری** - بنده از همکار محترم استدعا کردم که این اعتراض را نفرمایند چون در تمام جلسات آقایان وزراء حاضر بوده اند و نوشته اند که ما برای جواب حاضریم ولی چون موقعیت مجلس طوری بوده است که آقایان نمیتوانسته اند بسؤال و جواب بپردازند این بود که تمینی شد که آقایان روز سه شنبه حاضر بشوند و استدعا بشود که نطق قبل از دستور را هم موقوف بکنند و سئوالات مطرح بشود (دکتر سنجانی - بنابر این روز سه شنبه سئوالات مطرح می شود)

نایب رئیس - موقعی که وارد دستور شدیم بنده هم توضیح در این باب خواهم داد آقای ذکائی بفرمائید

۴- بیانات قبل از دستور آقای ذکائی
ذکائی - جناب آقای مدرس با بیانات فصیح خود حقایق را بر عرض مجلس شورای ملی

رسانیدند که البته شایان توجه بود عرض بنده هم راجع به نواقص شهرستانها بود متأسفانه این نواقص و محرومیتها که معلول بی مبالائی دولت های سابق است منحصر بیکدی دو جا نیست اکثر شهرستانها و بخصوص نقاط دور دست کشور که مؤدیان مالیات و گردانندگان دستگاه عظیم اجتماع هستند باین درد مبتلامی باشند و توقعاتی از دولت و مجلس دارند که هر چه زودتر باید وضع آنها اصلاح شود تا افلا از حداقل زندگانی برخوردار باشند اصلاحات کلی و اساسی که بستگی بوضع اصلاحات مالی و اقتصادی کشور دارد امیدوارم دولت جناب آقای دکتر مصدق که متکی باراده و پشتیبانی همه ملت ایران است بتواند بر مشکلات اساسی فائق آید و با اصلاحاتی که برای رفاهیت ملت ایران در نظر گرفته اند موفق شوند ولی در حال حاضر بنظر بنده چیزی که موجب نارضایتی بعضی از شهرستانها بوده تبعیض است که در تقسیم بودجه های عمرانی و اصلاحات عمومی میشود دولت باید ترتیبی اتخاذ نماید اینگونه بودجه های عام - المنفعه بخصوص هزینه های فرهنگی و بهداشتی نسبت بنفوس و جمعیت هر شهرستان تقسیم شود شهرستانهای این کشور هیچگونه تفوق و مزایائی نسبت به هم دیگر ندارند همه ساکنین کشور و ملت ایرانند و غالب طبقات هم نسبت باستطاعت خود مالیات و عوارض می دهند و باید بیک نسبت هم از مزایای این کشور استفاده نمایند - تبعیضی که در این موارد می شود عدم رضایت و بدبینی شهرستانها را فراهم مینماید که از نظر حفظ عدالت اجتماعی و سیاست داخلی بهیچوجه بصالح کشور نیست چندی قبل راجع بتقسیم بودجه وزارت بهداشتی به نسبت جمعیت هر شهرستان طرحی با مضاعفه ای از نمایندگان از طرف جناب آقای دکتر فاخر بمجلس شورای ملی تقدیم گردید امیدوارم در کمیسیونهای بودجه و وزارت بهداشتی در تکلیف این طرح معین شود و تصویب آن مورد توجه مجلس شورای ملی قرار گیرد و هم چنین در تقسیم بودجه وزارت فرهنگ نیز این اصل رعایت گردد تا تمام شهرستانها نسبت بجمعیت خود از بودجه های فرهنگ و بهداشتی استفاده نمایند بخصوص نسبت به وضع شهرستان های دور دست که از تمام مزایای زندگانی امروزه محروم هستند باید بیشتر توجه شود حقیقه باور کردنی نیست که در دنیای امروزه بشنویم شهرستانی که دارای دو بیست هزار جمعیت است یز شک دار و آبله کوپ ندارد و یا بواسطه نبودن راه اجناس و مایحتاج زندگی خود را صد ها کیلومتر در پشت قاطر والاغ به شهرستانهای دیگر برده مبادله نمایند

حوزه انتخابیه بنده خلخال که یکی از شهرستان های مهم آذربایجان است بشهادت پرونده های وزارت راه بیست و شش سال است فریادمی کنند که ما راه نداریم در صورتیکه هشت فرسخ راه آنجا اگر تسطیح شود و به

کنار بحر خزر اتصال یابد از نقطه نظر تجارتنی و اقتصادی دو استان مهم آذربایجان و گیلان و مبادله محصولات استان های مزبور بسیار شایان اهمیت است و همیشه هم تسطیح این راه مورد علاقه نمایندگان آذربایجان و گیلان بوده است امیدوارم وزارت راه توجه نماید تسطیح این راه زودتر عملی شود عرض دیگر بنده موضوع انحلال بعضی از دادگاه های ولایات است که معلوم نیست در شهرستانهاییکه دادگاه منحل می شود کدام مرجعی باید بشکایات و دعاوی مردم برسد گرچه بنده معتقد بودم اگر دادگستری با وضع سابق باقی می ماند عدمش بهتر از وجود بود زیرا ضرر آن برای مردم بیشتر از نفعش بود بطوریکه چندی پیش شکایات متعددی از طرف اهالی خلخال راجع به خرابی دادگاه آنجا رسیده بود

ضمن مذاکره با جناب آقای لطفی پیشنهاد کردم یا دادگاه آنجا را منحل کنید که مردم راحت باشند و یا یک دادگستری حسابی که بتواند به داد مردم برسد در آنجا تشکیل دهید ولی حالا که در اثر مساعی آقای وزیر دادگستری و کسب دادگستری اصلاح می شود و قضات صالحی در رأس امور قضائی انجام وظیفه خواهند کرد باید تمام نقاط کشور از وجود دادگستری صحیح استفاده نمایند و مرجع صلاحیتداری بین مردم وجود داشته باشد والا اهالی ضعیف و بی بضاعت شهرستانهاییکه دادگاههایشان منحل شده هیچوقت نمیتوانند برای اقامه دعوا و احقاق حق خود با نبودن وسایل چندین فرسخ مسافرت نموده و با تحمل هزینه گزاف و مدتی معطلی عرض داد خود را بجائی برسانند مخصوصاً از جناب آقای وزیر دادگستری تقاضا دارم فکر صحیحی در این خصوص به نمایند و تلگرافی هم که از اهالی خلخال راجع بشکایت از انحلال دادگاه آنجا رسیده است به مقام ریاست تقدیم می نماید

یک عرض دیگری هم دارم که راجع بکارمندان مجلس شورای ملی است که بمجلس سنا رفته اند و حالاً بی تکلیف و معطل هستند چون آنها سالهاست که در اینجا زحمت کشیده اند و زحمتکش این جا بوده اند بنده خواستم از مقام ریاست استدعا بکنم که یک توجهی درباره آنها بکنند (عبدالرحمن فرامرزی - آنها عضو مجلسند) آخر حالا از مجلس رفته اند بمجلس سنا

عبدالرحمن فرامرزی - خوب بر میگردد بمجلس اینها عضو مجلس هستند و باید برگردند بمجلس

۵- بیانات آقایان منصف افشار صادقی بعنوان صورت مجلس
نایب رئیس - آقای منصف شما

فرمایشی داشتید ؟
منصف - چون صورت مجلس تصویب نشده عرض میکنم که بنده را در جلسه قبل غایب بی اجازه نوشته اند و حال آنکه بنده بوسیله آقای نبوی باستحضار رسانیدم که مریض هستم و قادر بشرفیابی نیستم خواستم این را تصحیح کنند ضمناً یک نامه ای از عده ای از کارمندان دولت که اراضی یوسف آباد آنها را گذار شده رسیده است آنها در حدود دو بیست نفر میباشند که تمام وسایل متوسل شده اند که بلکه آنجا آبی فراهم کنند که بتوانند ساختمانشان را راه بیندازند و در آنجا سکونت کنند ولی موفق نشده اند و بمقام ریاست متوسل شده اند که بمقامات مربوطه توصیه بفرمایند که یک آبی فراهم بشود که وسایل زندگانی آنها تأمین بشود

نایب رئیس - آقای افشار صادقی فرمایشی داشتید ؟

افشار صادقی - آقایان نمایندگان محترم بخوبی استحضار دارند که از طرف وزارت دفاع ملی چند روز پیش ترفیع عده ای از افسران عزیز ما که استحقاق ترفیع در فروردینماه سال جاری داشتند و داده نشده بود ، داده شده و همه ما واقف و مستحضریم که افسران جوان و میهن پرست ما عمر گرانیهای خود را در راه میهن و شاهنشاه گذرانیده و در ادوار گذشته از هیچگونه فداکاری خودداری و مضایقه نکرده اند

نایب رئیس - مختصر بفرمائید آقای **افشار صادقی** - متأسفانه طبق اطلاع حاصله ، عده ای از افسران ارشد و تعداد ۲۰۰ نفر از سرهنگ دومها از ترفیع محروم مانده اند و این عمل موجب دلسردی آنان شده است بنده از جناب آقای دکتر مصدق که وزارت دفاع ملی را نیز عهد دارند تمینی میکنم نسبت بترفیع این عده از افسران توجه مخصوص مبذول بفرمایند

نایب رئیس - این مربوط بصورت جلسه نبود چون عده برای رأی کافی نیست تصویب صورت جلسه را بیهوده موکول میکنم

۶- طرح لایحه ملی کردن ارتباط تلفنی از ماده چهارم لایحه لایحه
نایب رئیس - لایحه ملی شدن شرکت تلفن مطرح است ماده چهارم قرائت میشود : (بشرح زیر قرائت شد)
ماده ۴ - از بانصد میلیون ریال سرمایه شرکت سهامی تلفن ایران مبلغ چهار صد میلیون آن پرداخت گردیده و یکصد میلیون ریال آن تمهید شده است

نایب رئیس - آقای وزیر پرست و تلگراف داشتید ؟
وزیر پرست و تلگراف - چون ماده ۴ در اساسنامه شرکت تأمین خواهد شد بدینجهت این را زائد میدانم و بنا بر این مسترد میکنم
نایب رئیس - بسیار خوب ماده پنج

را شماره ۴ باید بگذاریم ماده ۴ یعنی همان ماده پنج سابق خوانده میشود ولی همان ماده ۵ بخواهید که آقایان اشتباه نکنند (شرح زیر قرائت شد)

ماده ۵ - بمنظور اجرای ماده ۴ وزارت پست و تلگراف و تلفن اجازه داده میشود مبلغ چهارصد میلیون ریال از بانک ملی استقراض نماید و متدرجاً در ظرف مدت بیست سال با فرع سه درصد در بودجه وزارت پست و تلگراف و تلفن منظور و مستهلك نماید.

نایب رئیس - آقای حائری زاده
اول سرمایه اش سی میلیون تومان بود و حالا سیصد میلیون تومان شده (که بعد دو بیست میلیون) حالا دو بیست میلیون تومان شده است، اجازه هائیکه مجلس پست سر هم میدهد که فرضه بدهد بمؤسسات من نمیدانم چه صورتی پیدا میکند؟ وقتی که بانک چند مقابل سرمایه خودش از دولت و دستگاههای وابسته بدولت طلبکار شد، این بانک چه عمل اقتصادی دیگر می تواند انجام بدهد؟ حال ممکن است و دایع مردم را داشته باشد بدهد ولی باید بانک تکلیفش معلوم باشد که صاحب ودیعه هر وقت مطالبه کرد باو بدهد از صندوق ذخیره خودش هم اگر بخواهد خرج بکند آن ذخیره یک اعتباری است برای خود بانک و من نمی دانم برداشتن از آن چه صورتی پیدا می کند یک چیز دیگری هم که من اینجا نفهمیدم اینست که در ده دوازده سال پیش آنوقتی که من گرفتار امور سر پرستی بودم و مرحوم فرزین رئیس بانک بود ما رفتیم یک قراردادی با بانک بستیم یعنی وزارت دادگستری با موافقت وزارت دارائی قرار دادی بست که پانصد هزار تومان از ودایع صغار که بحساب جاری گذاشته شده بود بحساب را که گذاشته خود بانک صدی پنج سود بدهد بینگاه صغاری که تابع اداره سرپرستی بود ما می خواستیم بودجه این بینگاه بتمیهای سرگردان و بلا تکلیف رایک جانی یادش بکنیم چون بودجه آنجا متزلزل بود ما پست و پنجهزار تومان از اینجا دست و پا کردیم که از این پولهای را کدی که دولت در صندوق بانک دارد و بحساب جاری است ما آنرا بحساب را که بگذاریم و بانک صدی پنج سود بدهد و این سود خرج بینگاه صغار بشود و چند روز پیش که من بان بینگاه سر میزدم رفتم و دیدم که هنوز آن مقررات بجای خودش باقی است منتهی تکمیل نشده و وضعیت خوب نیست و باید توجهی بشود که بهتر بشود و آن صدی پنج سود را هم بانک بان بینگاه می دهد یک پولی است که در حقیقت بانک از مال دولت قرض کرده و رفته بودیعه ثابت مثل وقتی که بانک از دولت پول میگیرد این پول پانصد هزار تومان بوده است و ۲۵۰۰۰۰ تومان از قرار صدی پنج سود آن میشود

حائری زاده - در همین ماده داریم صحبت می کنیم بانکی که ما کردنش گذاشتیم صدی پنج بینگاه صغاری پول بدهد شما از او قرض می گیرید و صدی سه تنزیل می دهید؟ این معامله ملا نصرالدینی است که صدی پنج خودش دارد سود می دهد خود بنده عامل این عمل بودم و مقدماتش را فراهم کردم. دولت یک میلیون پول داشت بهلوی بانک ما گفتیم که پانصد هزار تومان پیش این بانک باشد و صدی پنج بدهد و الان ده پانزده سال است که همه ساله هم پرداخته و بد حسابی هم نکرده و ما هم خیلی ممنون هستیم و امیدواریم که این پانصد هزار تومان که دولت دارد این را بیشتر بکند و سود بیشتری بگیرد که این بینگاه توسعه پیدا کند اشکال من این بود یکی اینکه بانکی که صدی پنج سود می دهد چرا صدی سه سود می گیرد. یک پولی قرض میگیرد صدی پنج سود میدهد و یک پولی قرض می دهد صدی سه سود بگیرد این معامله معامله ملا نصر الدینی است و من نفهمیدم. یکی دیگر اینکه باید معلوم بکنند بانک هم مال ما است دولت هم مال ما است یعنی همه اش مال این مردم است و ما هم از زبان مردم داریم حرف میزنیم. ما هم باید یکمیلی بکنیم که در این بانک تزلزل پیدا نشود. جناب وزیر مالبه که تشریف ندارند. بانک ملی هم که نماینده ای غیر از وزیر دارائی در اینجا ندارد. نمی دانم آقای کهید که در بانک نظارت دارند میتوانند یک صورت صحیحی داشته باشد که اینجات توضیحاتی بدهند که این بانک از دولت و دستگاههای وابسته بدولت چقدر طلب دارد؟ چون یک دستگاههایی هستند که بتوصیه دولت باوقرض داده شهر دار است مؤسسات دیگری است که دولت سفارش کرده و بانک بانها قرضه داده و این چهل پنجاه مینیونی که ما برای اصلاح یا تخریب این بینگاه تلفن میخواستیم از بانک بگیریم با فرع صدی ۳، این بنظر من دو اشکال دارد. یکی اینکه اساساً توانائی بانک را در دادن این قرضه های درشت نباید در نظر بگیریم. بانک برای کارهای اقتصادی هر چه پول بدهد در جریان است. امروز یکسفته ۳ ماهه میگیرد و پول می دهد سه ماه دیگر پولش بر میگردد معاملات جریان دارد و مردم در این کارهای اقتصادی از این پولهای که بانک میدهد برای مملکت فوایدشان بیشتر می شود. ولی این رقم پول هائی که داده می شود را که میماند در ظرف چندین سال در بودجه وزارت پست و تلگراف باید پیش بینی بکنیم که سالی یک مبلغی از این پول را با صدی ۳ فرع بپردازیم اینکار بمقیده من بعمل اقتصادی بانک لطمه وارد میکند و برای مملکت هم نمیدانم فایده دارد یا ندارد و چون این چهل را داشته آمدم در این موضوع بیرسم که این مشکل من حل بشود.

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف
جناب آقای حائری زاده بایستی توجه داشته باشند که این مبلغ چهل میلیون تومانی که ما از بانک ملی قرض می کنیم در حدود ۲۲ میلیون تومانش را بانک بان شراکت قرضه داده و بقیه که در حدود ۱۸ میلیون تومان است با بکارتک مذا کرده شده که یک مبلغی را فوراً بدهد و یکمبلغش را بتدریج بدهد و خود بانک هم با این موضوع موافقت کرده و بنابراین جای نگرانی برای جنابعالی نباید باشد و در قسمت فرعی هم این مؤسسات بانکی وجودشان برنی اینست که در مواقع لازم در مواردی که عام المنفعه است یک تسهیلاتی در کار فائل بشود و این بانک ملی هم که ملاحظه میفرمائید این تنها بانکی است که در این مملکت هست و حاضر شده که برای این کار عام المنفعه این تسهیلات را فائل بشود با فرع صدی ۳ قرض بدهد. بنابراین تصور نمی کنم که جای نگرانی از ما این جهت هم باشد برای اینکه بانک سرمایه اش را خودش میداند و وضع بانکی خودش را در نظر میگیرد و موافقت میکند باینکه یک کار عام المنفعه که می کند و نرخ آنهم بنظر خودش عادلانه است.

نایب رئیس - نسبت بماده ۵ چون پیشنهادی هم نرسیده یک مرتبه دیگر قرائت میشود.

(ماده ۵ شرح سابق قرائت شد)
ملک مدنی - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - موافقت؟ (ملک مدنی بله) بفرمائید.

ملک مدنی - بیاناتی که جناب آقای حائری زاده فرمودند چون بنده هم یک اطلاعی از وضعیت بانک داشتم لازم بود که بعنوان موافقت با این ماده ۵ توضیحاتی عرض کنم که خاطرشان مطلع باشد. بانک ملی سابقاً همانطوریکه فرمودند وجوه سپرده را صدی پنج فرع میداد ولی اخیراً تغییر داده است و صدی ۳ بیشتر نمیدهد و این نظری که فرمودند صحیح بوده و بنده برای این که رفع شبهه از خاطرشان شده باشد خواستم توضیحی داده باشم و ضمناً همانطوری که جناب آقای وزیر پست و تلگراف هم توضیح دادند بانک ملی تنها بانک مهم کشور است که برای مؤسسات عام المنفعه وجودش ضروری است و باید کمک کرد و برای همین کار هم تأسیس شده و باید در اینجور موارد کمکهایی برای پیشرفت این مسائل بکنند در جلسه گذشته عرض کردم و حالا هم عرض می کنم که شرکت تلفن یکی از مؤسساتی است که وجودش برای احتیاجات عمومی ضروری است تا کتون این صاحبان سهام متأسفانه نتوانسته اند وظایفی که داشته اند و احتیاجاتی که مردم داشتند تأمین کنند حالا دولت آمده است و یک کاری کرده بنده

ایرادی که دارم و اشکالی که بنظر من رسیده اینست که من فکر میکنم که شاید وزارت پست و تلگراف و تلفن نتواند رفع احتیاجات را بکنند مردم این کشور بطوریکه گفته شد همه آقایان هم این تذکر را دادند حالا که وزارت پست و تلگراف شرکت تلفن را در اختیار گرفته است باید سرعتی احتیاجات عمومی تهران و ولایات را مرتفع کند برای اینکه مردم احتیاج دارند امروز مثل اینست که شخصی بخواهد مسافرت کند و در یک شهرستانی وسائل نقلیه جدید اتومبیل که وسائل تندرو باشد موجود نباشد البته این نقیصه است و برای مردم مشکل است تلفن هم همین حکم را دارد همانطوری که در تمام نقاط دنیا آقایان ملاحظه فرموده اند در بین راهها تلفن است که اگر مسافری از یک نقطه ای خواست تلفن بکند احتیاجی پیدا کرد. اتومبیلش خراب شد فوراً بیک مرکز تلفن مراجعه می کند تلفن اتوماتیک هست و ازش استفاده می کند ما که باید بطرف ترقی و تکامل جلو برویم باید وسائلش را هم فراهم بکنیم. بنده می خواهم عرض بکنم که شاید این ۵۰ میلیون تومان کافی نباشد و این مردم ولایاتی که آقای مدرس الان در اینجا بیاناتی فرمودند و صحیح هم فرمودند آنها هم احتیاج دارد (صحیح است) مملکت منحصر بتهران نیست همه مؤسسات مفید برای تهران باشد تلفنهای ولایات بمراتب از تلفنهای تهران بدتر است همه آقایان میدانند همان شهر تبریز که یکی از بزرگترین شهرهای کشور ما است و یک وقت پایتخت و لیمه دوم کریم بود بواسطه همان جهات تجارتهی که ایشان هم فرمودند وضعیت سابقش را از دست داده است تلفن آن شهر الان طوری است که مورد استفاده نیست و همچنین فارس، خراسان و ولایات دیگر حالا بنده از شهرهای کوچک مثل ملایر و اهر آقای امامی اهری صحبت نمیکنم (امامی اهری - آنجا تلفن ندارد) (دکتر مصباح زاده - بندر عباس هم ندارد) وقتی آقای دکتر معظمی وکیل گلبایگان است و یک وکیل مقتدر باشخصیتی است گلبایگان اگر هم شهر کوچکی است بالاخره احتیاج دارد باینکه تلفن داشته باشد و مردمش انتظار دارند که تلفن داشته باشد و تلفنش هم خوب باشد بنده می خواستم که آقای وزیر پست و تلگراف تشریف بیاورند اینجا و صراحتاً بما وعده بدهند که بعد از آنکه شروع بکار کردند بهمان نسبتی که توجه بتهران دارند بولایات هم داشته باشند این نکته قابل دقت است وقتی اعتبارات میخواهد تصویب بشود باید تأمین احتیاجات ولایات هم بشود ضمناً جناب آقای وزیر پست و تلگراف یک نامه ای از کارمندان شرکت تلفن قم رسیده و نوشته اند در اینوقتی که بعد از سالها ما مستخدم شرکت تلفن بوده ایم در این موقع که (این نامه را بوسیله بنده به ساحت مقدس

مجلس شورای ملی و بنحساب آقای دکتر مصدق و به حضرت آیت الله کاشانی داده اند) اجازه بدهید بنده اینجا بخوانم چون در سرنوشت اعضای شرکت تلفن تأثیر دارد در اینموقع که لایحه ملی کردن شرکت تلفن تقدیم مجلس شورای ملی گردیده کار- مندان تلفن قم و توابع که ۱۰ سال پیش سابقه خدمت دارند و با حقوق جزئی و عائله زیاد سالها است که با سختی زندگانی انجام وظیفه مینمایند امید دارند از پاداش و ذخیره احتیاطی خود چون این ذخیره احتیاطی مال خودشان است مال کارمندانست (حاج سید جوادی - قریب بهمین مضمون از قزوین هم رسیده است) (محمد ذوالفقاری - از زنجان هم رسیده است) متأسفانه در لایحه تقدیمی از ذخیره و پاداش ذکر نشده در آخر تقاضا داریم مجلس شورای ملی تصمیمی اتخاذ فرمایند که تقاضای کار مندان تلفن قم مورد توجه واقع شود تا از تضییع حقوق آنان جلوگیری شود خوشبختانه معلوم شد از قزوین هم رسیده از زنجان هم رسیده این نامه را بنده تقدیم مقام ریاست میکنم که در دفتر مجلس شورای ملی باشد و استدعا میکنم جناب آقای وزیر پست و تلگراف هم توضیح بدهند و رفع اشکال آن ها بشود

نایب رئیس - ارتباطی با ماده ۵ نداشت. رأی می گیریم بماده ۵ آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثریت - خاستند) تصویب شد ماده شش قرائت میشود

(شرح زیر قرائت شد)
ماده ۶ - کلیه دارائی شرکت سابق (اموال و دیون و مطالبات) بشرکت سهامی تلفن ایران منتقل میگردد و شرکت سهامی تلفن ایران قائم مقام قانونی شرکت سهامی سابق تلفن ایران خواهد بود

نایب رئیس - آقای وکیل پور
وکیل پور - بنده بایستی قبل از عرض کنم که با ملی کردن ارتباط تلفنی در ایران کاملاً موافق هستم و یکی از قدمهای برجسته ای که دولت جناب آقای دکتر مصدق برداشته است همین است و از جناب آقای وزیر پست و تلگراف که در اینکار پیش قدم شدند تشکر میکنم (فرامرزی - هر وقت تلفن گیر مردم آمد تشکر کنید) در یک مملکتی که از لحاظ صنعتی عقب افتاده است و نمیتواند همسنگ با ممالک صنعتی و مترقی باشد باید حتماً دستگاههای صنعتیش برای زنده ماندن از حمایت دولت برخوردار باشد و برای اینکار هیچ راهی بهتر از ملی کردنش نیست این عقیده بنده است با خود ماده موافق هستم و اما چون یکی از اصول در این ماده مراعات نشده است پس آن مخالفم و آن عبارت از اصل بازار گانسی بودن این شرکت است یعنی شرکت تلفن یک شرکت بازار گانسی است در باره سرمایه

این شرکت یک ماده ۴ بود که آن را هم برگزاشتنند که نوشته اند از ۵۰۰ میلیون سرمایه شرکت سهامی تلفن ایران ۴۰۰ میلیون تومان پرداخت شده و یکصد میلیون تومان (دکتر سنجابی - در اساس نامه نوشته خواهد شد) (مهندس حسینی - در ماده ۳ هست) بسیار خوب حالا اجازه بفرمائید نظر بنده اینست که اصولاً یک شرکتی آمده و دارائی خودش را تعیین کرده است شما بدو طریق میتوانید این سرمایه را تصاحب کنید یا بخرید یا همانطوریکه در ماده ۲ گفته شده تصرف و تصاحب کنید اگر تصاحب کردید مطابق قانون تجارت بایستی تمام دارائی این شرکت اهم از منقول و غیر منقول و مطالباتش در جزو سرمایه شما منظور شود و اگر منظور نشود از نقطه نظر عمل بازار گانسی بسیار خطا است شما که الان شرکت تأسیس کردید و پس فردا خواستید بیلان بدهید من حالا کار بصحت و سقم این بیلان که شرکت داده ندارم ممکنست هزار رقم دست تویش ببرند همین شرکتی که از طرف وزارت پست و تلگراف در آن جا مأموریت پیدا میکنند که این دستگاه را بگردانند ممکنست خیلی بدکار کنند ولی بعدها در این ارقام دخل و تصرف کنند (باین عرض توجه بفرمائید چون این یک موضوعی است که خیلی اهمیت دارد) یعنی ما نمیتوانیم بفهمیم که این دارائی شرکت یکجا منظور شده است جزو ارقام خرید شرکت فعلی هست یا جزو سرمایه است اگر جزو ارقام خرید است باید تمام این دارائی مطابق آن چه در تراز نامه آمده یعنی مطابق قیمت خرید باید در دفاتر ثبت شود بعنوان یک چیز خریداری و اگر جزء سرمایه هست که آنهم باید بصورت سرمایه جنسی جزو سرمایه شرکت تلفن باشد و اگر این نظر در این قانون رعایت نشود از لحاظ عمل محاسباتی هیچ جور در نمی-

آید بنده خواستم از آقای وزیر پست و تلگراف استعفا کنم که در این مورد یک ماده ای باید تهیه شود برای اینکه سرمایه شرکت کاملاً معین شود مثلاً مطابق آنچه که فعلاً در تراز نامه چاپ شده بطور تقریب حساب بکنند و جزو سرمایه جنسی منظور بکنند بعد هم یک هیئتی از وزارت داد گستری و بانک ملی و وزارت پست و تلگراف مأمور کنند بروند ارزیابی کنند که مزاحم دخل و تصرف در کار شرکت هم نباشند یعنی شما بمجرد اینکه این قانون ابلاغ شد بروید در دستگاه را تصرف بکنید و بعد ها بروید ارزیابی کنید و پس از اینکه ارزیابی شد و ارقام قطعی بدستتان آمد آنموقع سرمایه ای که دارید بصورت قطعی منظور بکنید نمی دانم این قسمت را توجه فرموده اید؟ (وزیر پست و تلگراف - بلی) غرض بنده اینست که اموائیکه بموجب این تراز نامه مال شرکت سابق تلفن بوده است با بصورت

خرید یا بصورت سرمایه باید منتقل شود و الا باین وضع شرکت تلفن از نظر عمل حسابداری و از نظر عمل بازار گانسی عمل بسیار بیربطی است خواهش دارم آقای وزیر پست و تلگراف توضیح کافی در این باب بدهند
نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف .

وزیر پست و تلگراف - قسمت اول فرمایشات نماینده محترم خیال می کنم در ماده سه تأمین شده است برای این که سرمایه شرکت را در آنجا تعیین کرده و مصرح است بنابراین ماده ۴ دیگری موردی نداشت و در اساسنامه ذکر خواهد شد و اما نسبت بموضوع آخری که فرمودید آن موضوع بنظر من الان جایش در این لایحه نیست برای اینکه این یک شرکتی است که جدیداً تأسیس میشود این شرکتی که جدیداً تأسیس میشود سرمایه اش مشخص است بنابراین میتواند به ثبت برسد و شخصیت حقوقی پیدا کند آنوقت این شرکت جانشین آن شرکت خواهد شد بعد میروند می بینند قروض چیست سرمایه اش چیست اگر چیزی کم و کسر شد در ضمن سرمایه خودش منظور میکنند بنابراین الان ما نمی توانیم در این لایحه هیچ چیزی بگنجانیم (وکیل پور - یک تأسیساتی دارد دیونش را قبول کرده اید) بیلان دارد این بیلان را ملاحظه فرمائید طبق این بیلانی که عرض کردم که مورد قبول ما هم نیست دارائی این شرکت ۴۴ میلیون تومان است قروض شرکت هم ۳۷ میلیون تومان است (امامی اهری - ماده ۶ تأمین کرده است دقت بفرمائید) در ماده ۶ بهای سهام معین کرده ایم ما معین کرده ایم که ارزش سهام چیست مسلم است که مادر این معامله ضرری نخواهیم کرد و منظور جناب عالی هم بعداً البته تأمین خواهد شد (شبه ستری - اموال باین شرکت منتقل میشود) (فرامرزی - تصریح شده حقوق صاحبان سهام محفوظ است)

نایب رئیس - مخالف دیگری نیست و پیشنهادی هم رسیده ماده ۶ دو مرتبه قرائت میشود و رأی میگیریم .

(شرح زیر قرائت شد)
ماده ۶ - کلیه دارائی شرکت سابق (اموال دیون و مطالبات) بشرکت سهامی تلفن ایران منتقل میگردد و شرکت سهامی تلفن ایران قائم مقام قانونی شرکت سهامی سابق تلفن ایران خواهد بود .

نایب رئیس - آقایانیکه باین ماده موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد .

فریمان - بنده پیشنهادی داده بودم اصلاح عبارتی بود .

نایب رئیس - این موضوع آقای فریمان گذشته ماده ۷ قرائت میشود .

(شرح زیر قرائت شد)
ماده ۷ - بهای سهام شرکت سهامی

تلفن ایران بنرخ متوسط بازار از یکسال قبل از تصویب این قانون بصاحبان سهام پرداخت خواهد شد .
نایب رئیس - آقای حائری زاده مخالفید ؟

حائری زاده - من در ماده اول و کلیات راجع باینموضوع صحبت کرده ام تکرار مکررات را دیگر جایز نمیدانم
نایب رئیس - در ماده ۷ مخالفی هست آقای کهبد مخالفید بفرمائید

کهبد - در ماده ۷ نوشته شده است که بهای سهام شرکت سهامی تلفن ایران بنرخ متوسط بازار یکسال قبل از تصویب این قانون بصاحبان سهام پرداخت خواهد شد بنده میخواستم در این قسمت جناب آقای وزیر پست و تلگراف توضیحاتی بفرمایند برای اینکه این شرکت موقعیکه بخواهد برچیند یا بعمليات خودش خاتمه بدهد مطابق معمول باید یک بیلانی از این شرکت در دست باشد قروض دیون این شرکت باید معین شود و از آنجا او معین شود بعد از تأدیه قروض آنچه باقی ماند بصاحبان سهام پرداخت شود حالا شما می آئید پول صاحب سهم را میخواهید به نرخ یک سال قبل از این بدهید آیا این حساب را کرده اید که شما آبادر اینکار نفع دارید یا ضرر دارید؟ البته ما هم می دانیم که موضوع تلفن یک چیزی است که واقعا اسباب زحمت همه را فراهم کرده بود و دولت ناچار شد که اینکار را بکنند برای این که بوضع تلفن یک سروصورتی بدهد و کار بسیار خوبی هم کرده است اما حقوق صاحبان سهام فعلی که در آتیه وزارت پست و تلگراف خواهد بود این باید معین شود که وزارت پست و تلگراف نفع می کند یا ضرر می کند اگر ضرر می کند چرا باید ضرر بدهد و ضرری متوجه بیت المال بشود اگر نفع می کند بیچاره صاحبان سهام تقصیری نکرده اند که بآنها ضرری متوجه بشود بنده خواستم در اینقسمت توضیحاتی جناب آقای وزیر پست و تلگراف بفرمائید چون مردم در اینمملکت باید شروع کنند بکارهای عام المنفعه و تولیدی آیا اینکار موجب نخواهد شد که بگویند که ما هر کاری شروع کردیم بعد دولت بگوید که اینرا بنده شرکت تلفن بدکار کرده بنده قبول دارم اما فلان پیرزن یا پیر مردی که آمده سهمی خریده است هیچ گناهی نکرده حتی مجبور کرده اند یک عده ای از همین دارندگان تلفن را که شش هزار ریال داده بودند چهار هزار ریال هم سفته از آنها گرفته اند تکلیف این سفته ها چه میشود (عبدالرحمن فرامرزی - تکلیف آن شش هزار ریال هم باید معلوم شود) بنابراین بنده میخواستم که جناب آقای وزیر پست و تلگراف در این قسمت توضیحاتی بدهند البته در موضوع فرضه از بانک ملی که آقای حائری زاده فرمودند این جانب تقاضا کردم که اجازه بدهند که بنده

مخالفم و آن عبارت از اصل بازار گانسی بودن این شرکت است یعنی شرکت تلفن یک شرکت بازار گانسی است در باره سرمایه

توضیحاتی بدهم حالا چون ممکن است جایش نباشد و آقای رئیس هم اجازه ندهند که توضیح بدهم بهر جهت بنده میخواستم ایشان توضیحات مفصلی بدهند که تکلیف این شرکت در آنچه خواهد شد حاضر خواهد بود یا نفع اگر ضرر ببرد چرا ببرد دلیل ندارد که ضرر بدهد و اگر نفع ببرد چرا مال مردم را ببرد و بدنامی برای خودش فراهم کند

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - من تعجب می کنم از جناب آقای کهبید که این فرمایش را می فرمایند برای اینکه ما منصفانه ترین طریق را انتخاب کرده ایم برای پرداخت حق صاحبان سهام چون صاحبان سهام ممکن بود ایراد کنند که شما چون نفع ملی شدن را در آورده اید سهام ما تنزل کرده بنابراین وزارت پست و تلگراف مطالعه کرد و بنظرش اینطور رسید که اگر یکسال قبل را ملاک قرار دهد نظر صاحبان سهام تأمین میشود بای اینکه آنوقت صحبت ملی شدن نبوده است بملاوه ارزش سهام در بازار معلوم بوده جناب آقای کهبید موضوع ارتباط مملکت اهمیتش بیش از این است که چند تومان بالا و پائین بشود برای ما ارزش دارد که این ضرر را بکنیم برای اینکه ارتباط را بر قرار کنیم و ما برای نفع نیامده ایم ما تجارت نخواستیم بکنیم مایک موضوع حیاتی مملکت را خواستیم اصلاح بکنیم و باین صورت در آوریم

نایب رئیس - آقای ملک مدنی جنابعالی بعنوان موافق باماده می خواهید صحبت کنید؟

ملک مدنی - بنده توضیحی دارم که میخواهم عرض کنم

مشار - بنده موافقم
نایب رئیس - آقای مشار بعنوان موافق صحبت کهبید

مشار - در ایران تا بحال یک شرکتی نبوده که ورشکست بشود و بعد دولت این طور زیر بازویش را بگیرد و تنها شرکتی که دیدم ورشکست شده و دولت ازش حمایت می کند همین شرکت سهامی تلفن است این شرکت سهامی تلفن ۲۲ میلیون بیانات مفروض است مطابق حسابی که دارد و مالیاتی هم برود بدهکاری دارد که از آنها پول گرفته بازم بقیه بنده اگر وزارت پست و تلگراف رسیدگی کند

ممکن است قرض هائی داشته باشد که ناچار بایستی آنها را پرداخت و وضع را مرتب کرد بنابراین ایراد اینکه سهام در دست مردم است و مثلاً قیمت آن تنزل می کند و ممکن است قرض آنها درست ادا نشود توهمی بیس نیست رجوع کنید بسوابق سایر شرکت های ورشکسته می بینیم که در این شرکت سهام ۵۰ تومانی را بطوریکه وزارت

پست و تلگراف در نظر گرفته بنرخ یکسال بیش هر سهمی ۲۰ تومان پرداخت خواهد شد و در حقیقت ۳۰ درصد بیشتر از آن قیمتی که برای آن فائلند کسر نمی شود و سالها هم هست که منفعت خودشان را به حق یا ناحق برده اند و در زمان حاضر هم که مکالمات تلفنی یکی از اهم مسائل مملکتی است مورد احتیاج مردم است و همه باید استفاده کنند نمیشود این شرکت را بهمین حال گذاشت فرض کنید که شرکاء دیگر حاضر نیستند پول بپردازند و بخواهند تمام قیمت اسامشان را بگیرند پس باید کار باین مهمی را تعطیل کرد؟ فقط چیزیکه بنده میخواهم عرض کنم اینست که وزارت پست و تلگراف یک زحمت بزرگی را بدوش گرفته است و اینکار اگر بایستی مرتب بشود یک فعالیت فوق العاده ای لازم دارد مخارج فوق العاده ای اینکار دارد و همینطور وارد کردن وسایل مکالماتی تلفن یک موضوع فوق العاده ای است و البته این را منحصر بتهران نمی شود کرد و همینطور که نمایندگان ولایات هم تقاضا دارند البته مقتضی است که در سایر نقاط ایران هم دستگاهی نظیر این دستگاه ایجاد شود و قهراً بایستی ایجاد شود (نمایندگان صحیح است) دستگاههای خودکار که دایر شده در شهرستانها هم باید باشد که مکالمات بطور خوبی بچریان بیفتد حالا برای اینکار بنظر بنده دولت باید بودجه وزارت پست و تلگراف را حتماً بالا ببرد اگر بخواهند باین بودجه چند میلیون که دارد یک مقداری را هم صرف مخارج تلفن کنند این عمل معقلاً انجام پذیر نیست این مطالب را آقایان باید بدانند و در موقع تنظیم بودجه بآن توجه کنند که هر سال ده یا نوزده میلیون باین وزارت خانه پول بدهند که هر روز از مایک پول نخواهد بگیرد بایداز بودجه عمومی مملکت اینکار را تأمین کرد و اقدام کرد و اینکار یک کار خیلی پر منفعتی است یعنی اگر تلفون درهمه جای ایران همانطور که درهمه جای دنیا هست دایر بشود در سال ممکن است ۵۰ میلیون کمتر یا بیشتر از اینکار منفعت بکنند بنده نمیتوانم حالانته بکنم ولی بطور کلی میتوانم بگویم اگر دستگاه تلفن بکار بیفتد و خوب اداره شود مبالغی دولت از اینکار مستفید میشود و عایدی خوبی بمملکت خواهد داد البته آقای وزیر پست و تلگراف توجه فرمایند که یک کار پر زحمتی بدوش گرفته اند و انشاء الله موفق بشوند اینکار را انجام بدهند (احسنت)

نایب رئیس - پیشنهاداتی که نسبت بماده ۷ رسیده قرائت می شود پیشنهاد آقای کهبید (شرح زیر قرائت شد) اینجناب پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۷ اضافه شود تبصره دولت مکلف است قیمت سهام مندرجه در ماده ۷ را در ظرف یکماه نادیده

و تصفیه نماید .
کهبید
امامی اهری - بنده اخطار نظام نامه ای دارم اول باید بخود ماده ۷ رای گرفت بعد پیشنهادها قرائت شود
نایب رئیس - خیر آقا این تذکره جنابعالی صحیح نبود ولی یک نکته ای که لازم است این بود که باید مذاکرات نسبت بماده ۷ کافی تشخیص داده شود یا کفایت مذاکرات در ماده ۷ کسی مخالف هست؟ (نمایندگان - خیر) پس پیشنهاد آقای کهبید مطرح است مجدداً خوانده می شود (مجدداً بقرار سابق خوانده شد)
نایب رئیس - آقای کهبید
کهبید - بنده پیشنهادی که داده بودم . . .

نایب رئیس - مختصر بفرمایید
کهبید - مختصر عرض میکنم بالاخره بعد از اینکه تصمیم گرفته شد و رای داده شود اقلاً در ظرف یک ماه حساب صاحبان سهام را بر مردم بدهند اگر آقای وزیر پست و تلگراف اینجا بنده قول بدهند که یک مدت کوتاهی اینکار را انجام می دهند بنده حاضر پیشنهادم را پس بگیرم
وزیر پست و تلگراف - بنده همان طور که در جلسه قبل هم عرض کردم ما قیمت سهام را در اسرع اوقات خواهیم پرداخت

کهبید - باین توضیح بنده پیشنهادم را پس بگیرم
نایب رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود پیشنهاد آقای صفائی پیشنهاد می کنم که ماده ۷ بطریق ذیل اصلاح شود قیمت سهام مطابق نرخ سه سال قبل از ملی شدن تلفن بصاحبان سهام پرداخت شود .

حسینی - عجب بیت المال مملکت را حفظ میکنید

نایب رئیس - آقای صفائی
صفائی - عرض کنم این پیشنهادی که بنده دادم برای رعایت حقوق طرفین است چون حالا که دولت حتماً می خواهد اینکار را بکند خوبست یک طوری باشد که هم حق صاحبان سهام تضییع نشده باشد و هم دولت ضرر نکرده باشد فرق نمی کند صاحبان سهام هم از ما هستند دولت هم از ما است دولت از صاحبان سهام و صاحبان سهام هم از دولت است صاحبان سهام که خارجی نیستند این شرکت را نباید مقایسه باشر کنه های دیگر کرد

نایب رئیس - آقای صفائی باید توجه فرمایید که اموال خارجیها هم در ایران محفوظ و محترم است
صفائی - درست است محفوظ و محترم است ولی شرکت تلفن باشر کت نفت هیچ

قابل مقایسه نیست آن یک شرکت خاص و غارتگری بوده است که ۵۰ سال در تمام شتون این کشور دخالت کرده است و بملاوه تأسیساتی هم در خارج دارد که آنها را هم بحساب نمی آورد خلاصه قابل مقایسه نیست با این شرکت (شمس قنات آبادی - آنها ای که شرکت تلفن را اداره میکردند زاد و ولد همانها بودند) (حاج سید جوادی - بعضی شان زاد و ولد نیستند) همه شان زاد و ولد نیستند آنها که زاد و ولد هستند دولت های وقت تحصیل کرده اند بعضی اشخاص هم بودند در هیئت مدیره که سوء استفاده ها کرده اند و شرکت را باین روزانداخته اند (سید جوادی - همینطور هم بوده است زیرا ۲۲ میلیون قرض دادن باتکاه دولت بوده است مسلماً) هفت هزار نفر صاحبان سهامند آقای قنات آبادی امروز فرمودند که شما صاحبان سهام را میشناسید عرض کردم نه بنده نمیشناسم ولی دفترچه اش در شرکت هست هفت هزار نفرند در صاحبان سهام همه جور آدم است چایچی هم هست که میگویند میلیونر است (بهادری - مرد خوبی است) بنده نمی شناسم که خوب است باید علی ای حال باو نمود نمیکند که فرضاً ۵۰ هزار تومان ضرر کند ولی صغیر هم دارد فقیر هم دارند همه جور هستند باید یک کاری کرد که رعایت عدل و اعتدال بشود و اگر بخواهند مطابق نرخ یکسال قبل از ملی شدن تلفن به شان پول بدهند چون این زمره ملی شدن از یکسال قبل بوده است (وزیر پست و تلگراف - نبوده است) عرض میکنم نبوده است و سهام هم روی همین زمره تنزل کرده است (حاج سید جوادی - آنهم به نرخ صرافی اعظم) بنابراین اگر نرخ سه سال قبل از ملی شدن را مبنی و معیار قرار بدهید این یک مبنی عادلانه و منصفانه است که نسبتاً کمتر حق صاحبان سهام تضییع میشود البته آقایان بایستی حق صاحبان سهام را رعایت کنند (سید جوادی - بنده موافقم) چنانکه روز گذشته هم عرض کردم این عقیده بنده است

نایب رئیس - آقای مهندس حسینی فرمایشی دارید؟ (حسینی - خیر) آقای قنات آبادی بفرمائید
قنات آبادی - اولاً من یک نکته ای را میخواهم با آقایان محترم تذکر بدهم که اگر در قیمت سهام شرکت سهامی تلفن تنزلی رخ داده است مسئول خود کارگردانان شرکت تلفن بوده اند (صفائی - صاحبان سهام که نصیری ندارند) این صاحبان سهام صاحبان سهامی که آقایان می فرمایند همانها هستند که رای به هیئت مدیره داده اند من قبول دارم که ممکن است یک صاحب سهمی مرده باشد و چندتا بچه داشته باشد که این سهمها بین آنها تقسیم شده باشد که آقایان بایستند پشت این تر بیون می داد بچه صغیرها و

بچه یتیم هارا میزنند. اما اغلب این بچه صغیرها و بچه یتیم ها بچه یتیم های میلیونر ها هستند نه از این بچه یتیم هائی که توی این مملکت توی خرابه ها و توی بیغوله ها و توی ویرانه ها افتاده اند و هیچکس هم سراغ آنها نمیرود این بچه یتیم هائی که صاحبان سهام می باتلفن و می باکاخذ می باورده و وعید میگویند می فریاد مظلومیت بلند میکنند همین بچه یتیم های میلیونر هستند که میآمدند و می نشینند و اجازه میدادند یک عده ای بنام هیئت مدیره شرکت تلفن پدر مردم را در بیاورند (صفائی -)
تعمیل کرده اند بصاحبان سهام (کسی تعمیل کرده (صفائی -) دولت های وقت تعمیل میکرده اند آقای قوام السلطنه تعمیل میکرد امثال قوام السلطنه تعمیل میکردند (اجازه بفرمائید چند وقت پیش که صاحبان سهام جمع شدند و خواستند رأی بدهند برای هیئت مدیره همانهائی را که سابقاً بودند انتخاب کردند قوام السلطنه ای هم در کار نبود (نریمان - سهامشان را اجازه میدادند) اجازه میدادند که هیچ قرض هم میدادند به دیگر در عین حالی که من نمی توانم بگویم که شماسوه نیت دارید و میگویم شما حسن نیت دارید (حاج سید جواد -)
مسلماً سوء نیت ندارند (معذک کلبه این بچه یتیم ها هر کدامشان چند میلیون تومان ثروت دارند و نباید شما برای این قبیل بچه یتیم های بقیه پاره کنید آنقدر بنده بچه یتیم توی این مملکت بشمانشان میدهم که لازم باشد بهشان کمک شود که خدا میداند این بچه یتیم ها عبارت از ثروتمندان و طبقه متمم مملکت هستند البته ممکن است یکی دو تاسه تا چهار تا واقعا یتیم باشند ولی کسانی که صورت دارند گان سهام شرکت سهامی تلفن را خوانده اند میداند که این سهام اکثر مال آن کسانی است که زاد و ولد شرکت نفت هستند بنا بر این اگر سهام شرکت تلفن هم تنزل کرده باشد معلول عمل و رفتار و عدم وفای بعهده و قول و تعهداتی بوده که این شرکت در مقابل مردم کرده است این شرکت از آن وقتی که بنای آنرا گذاشت که کلاه مردم را بردارد پول مردم را بگیرد قیمت سهام که پائین آمد هیچ اصلاً برویش هم رفت و بنظر بنده این قیمتی که دولت معین کرده این میزانی که دولت تعیین کرده قیمت سهام صاحبان سهام را بپردازد عادلانه ترین قیمت است ممکن است یک مورد خاصی که شاید همان تاریخش را شما گفته اند قیمت سهام خیلی بالا رفته باشد حالا میدانید - نتیجه اش چه میشود اگر ما بخواهیم آن مورد خاص را در نظر بگیریم نتیجه اش اینست که از جیب بیست میلیون نفر بکنیم و بدهیم بیک عده معدودی بنابر این قیمت عادلانه همین است که دولت پیشنهاد کرده (صفائی -)
آقای قنات آبادی شما چهار پنج سال قبل

راملاک بگیرد)

نایب رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای صفائی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد پیشنهاد دیگر خوانده میشود
(بشر ح زیز قرائت شد)
تبصره زیر را پیشنهاد نمایم - شرکت سهامی تلفن مکلف است بدو قیمت صاحبان سهام جزعرا پرداخت نموده بعد قیمت صاحبان سهام بزرگ را تأدیه نماید

ملک مدنی

نایب رئیس - آقای ملک مدنی توضیحی دارید

ملک مدنی - بله همانطور که اینجا مذاکره شد صاحبان سهام شرکت تلفن دودسته هستند یکدسته اشخاص متمکن و متمول هستند که اگر چنانچه تأخیری هم در پرداخت قیمت سهام آنها بشود برای آنها اهمیت زیادی ندارد ولی یکدسته هم مردمی هستند که قیمت سهام خیلی برای آنها ارزش دارد و احتیاج دارند دولت باید توجه کند که در درجه اول قیمت سهام آنها را بپردازد اینست که بنده این پیشنهاد را کردم و تصور میکنم که آقایان هم توجه داشته باشند که اصلح اینست اول قیمت سهام جزعرا پرداخت شود و بعد آنهائی که صاحبان سهام بزرگ هستند قیمتش پرداخته شود
زیرا ما میدانیم اگر غیر از این صورت باشد باز ممکن است آنها یک فعالیت هائی بکنند و در نتیجه اشخاص جزء که وسیله فعالیت ندارند عقب بمانند باینجهت بنده این پیشنهاد را کردم و تصور میکنم معقول هم باشد و مورد توجه آقای وزیر پست و تلگراف هم واقع شود

وزیر پست و تلگراف - بنده قبول

میکم

نایب رئیس - مجدداً پیشنهاد خوانده میشود

(مجدداً بشرح سابق قرائت گردید)

نایب رئیس - آقای مهندس حسینی نظری دارید؟

مهندس حسینی - با اصل این مطلب که کسانی که سهامشان کمتر است مقدم باشند بنده موافقم برای اینکه یک عدالت عمومی است ولی با اینکه اول پنج هزار تومانی هارا بدهند بعد هزار تومانی هارا بعد صد هزار تومانی هارا بنده مخالفم

حاج سید جواد - اگر اجازه بفرمائید اینچنین اصلاح شود بهتر است :

سری سهام جزء مقدم باشد بر سری سهام کل

نایب رئیس - اگر لازم باشد تصرف های مختصری که در معنی تغییر ندهد داده خواهد شد منظور پیشنهاد ایشان است که تا ۵۰ تومان مقدم است بعد اهم ممکن است که قبول بفرمائید بمناسبت مبلغش هر چه که تر باشد

مقدم تر باشد بهر صورت اگر پیشنهاد قابل توجه مجلس نشد رد میشود آقای ملک مدنی توضیحی دارید بفرمائید
ملک مدنی - بنده نظرم این است که اشخاصیکه بیچاره و فقیر هستند و صاحب سهام هستند صد تومان دوست تومان سیصد تومان باین نسبت سهامی در دستشان هست بدو شرکت ملی تلفن سهم آنرا پرداخت کنند قیمت سهام اشخاصی که تمول دارند بنده قصد نیست بنده قصد موضوع مالی اشخاص است که استطاعت هایشان کافی نیست قیمت سهامشان اول پرداخته شود بعد آنهائی که متمکن هستند اگر تأخیر هم بیفتد انقدر اشکالی ندارد حالا اگر اصلاحی دارند در پیشنهاد بنده من قبول میکنم چون اصل مطلب این است و گمان میکنم آقایان باین مطلب توجه دارند زیرا طبعاً باید سهام جزء را اول پرداخت کرد بعد سهام بیشتر را پرداخت

نایب رئیس آقای وزیر پست و تلگراف سهام بانام است یا بی نام است

وزیر پست و تلگراف بانام است

نایب رئیس - پس اشکالی ندارد پیشنهاد قرائت میشود و رأی گرفته میشود (پیشنهاد آقای ملک مدنی مجدداً بشرح سابق قرائت گردید)

نایب رئیس - کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام کنند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد پیشنهاد دیگری قرائت میشود (پیشنهاد آقای صفائی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که ماده ۷ باین طریق اصلاح شود - اموال شرکت از ریایی شده دیون شرکت پرداخت شود بقیه بین صاحبان سهام تقسیم شود - سید احمد صفائی

نایب رئیس - آقای صفائی توضیحی دارید

صفائی - بنده توضیحاتم را روز پنجشنبه داده ام

نایب رئیس - مجدداً قرائت میشود (پیشنهاد آقای صفائی مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - این پیشنهاد مربوط باین ماده نیست باینصورت که شما پیشنهاد داده اید جای این ماده را نمیتواند بگیرد

فرامرزی - بعنوان یک تبصره می تواند باشد

نایب رئیس - ماده ۷ خوانده بشود و رأی میگیریم

(ماده ۷ بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۷ - بهای سهام شرکت سهامی تلفن ایران بنرخ متوسط بازار از یک سال قبل از تصویب این قانون بصاحبان سهام پرداخت خواهد شد

نایب رئیس - رأی میگیریم باین ماده پیشنهادی دولت آقایانی که موافقت قیام کنند (اغلب برخاستند) تصویب شد - ماده ۸ مطرح است قرائت میشود

صفائی - به پیشنهاد بنده رأی ننگر قرائت

این چه وضعیتی است

نایب رئیس - آقای صفائی باید توجه کنید که مطالبی که خارج از حقیقت باشد نباید بفرمائید این پیشنهاد شما جای این ماده را نمیتواند بگیرد بعنوان ماده الحاقیه میتوانید پیشنهاد کنید ماده ۸ قرائت می شود - (ماده ۸ بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۸ - بوزارت پست و تلگراف و تلفن اجازه داده میشود مطالبات بانک ملی ایران را از شرکت سهامی تلفن ایران که اصلاً و فرعاً تا آخر شهریور ۱۳۳۱ بشرح زیر: اصل آن مبلغ ۱۸۴۱۵۸۰۰۰ ریال و فرع آن از بهره و کار مزد مبلغ ۲۸۴۷۹۹۰۷ ریال که جمعاً بالغ بر ۲۲۲۶۳۷۹۰۷ ریال میشود از محل وام مذکور در ماده ۵ کسر نماید

تبصره - وام دریافتی شش هزار ریال شرکت سهامی کل تلفن ایران از مشتری کین اصلاح فرعی پس از برآه افتادن ۲۲ هزار شماره تلفن خریداری شده در ظرف ده سال از محل حق الاشتراك و بهای مکالمات تلفن طهران مستهلك خواهد شد

نایب رئیس - آقای حائری زاده

فرامرزی - بنده نیم ساعت پیش اجازه گرفته ام هم میزوری زدم

نایب رئیس - ایشان قبلاً در ورقه اجازه گرفته اند و مقدم هستند شما کمتر بمجلس تشریف میآورید

حائری زاده - این ماده ۸ چون مربوط بموادی است که قبلاً تصویب شده است ۲۲ میلیون بانک طلب دارد که باید پرداخته شود و این شش هزار ریال ها قروض شرکت هم پرداخته شود آن قرضه ای که دولت پرداخت میکند پرداخت میگردد در اطرافش حرفی نیست ولی در این شش هزار ریال ها اجمال دارد اینجا نوشته است در ظرف ده سال از محل حق الاشتراك و بهای مکالمات تلفن طهران مستهلك خواهد شد اینجا يك تعدیاتی شرکت سابق بصاحبان تلفن کرده است يك نمره تلفن دلشته است اول گفته است شش هزار ریال اگر میدهد بن مزاحمت نیستم هیچکدام از اینها برضا و رغبت پول نداده اند بعد گفتند که هر کس چهار صد تومان دیگر

بدهد اسمش را میگذاریم جزء صاحبان سهام باشد بعضی داده اند بعضی نداده اند این اشخاصیکه طلبکار هستند پول زور از ایشان گرفته اند و موجهی ندارد اینها اجریمه - شان بکنید که شما چرا عمل شرکت تلفن را تحمل کرده اید این بی انصافی است حقیقه و حالا اگر يك چنین چیزی باشد باید روشن شود چون در اینجا میزان حق الاشتراك را هیچ پیش بینی نکرده است يك ماده ای هم جناب آقای نریمان تهیه فرمودند که من هم در قسمتی از آن شرکت داشتم که باید آن

حق الاشترک را که حکم يك مال باین را پیدا نمیکند این را مجلس رای بدهد که چه مبلغی است و حالا چه حسابی برای احتساب این شصت تومان قرضه ای که اجباری از این ها گرفته شده است در نظر دارند بکند و برای پرداختش اینرا بنده معتقد بودم که توضیح بدهند جناب آقای وزیر پست و تلگراف که رفع نگرانی صاحبان تحمل زور بشود.

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - برای تأسیس ۲۲ هزار شماره تلفن در طهران شرکت آمده است و با اجازه دولت وقت شصت تومان از مردم بعنوان وام بدون مدت گرفته است (فرامرزی - داده اند که بعد از یکماه دو ماه بآنها تلفن بدهند) و تاریخ هم اصلاً برای پرداخت معین نکردند گفتند بعد از بهره برداری با سود صدی شش کلا و جزاً مستهلك می کنیم . بعد آمدند دیدند که این ۲۲ هزار شماره با این پولها دایر نمیشود بانگملی هم دیده که پولش مسترد نخواهد شد باینها گفتند که شما بروید از مردم يك چهار هزار ریال دیگری بگیری در این ۴ هزار ریال دومی موافقت دولت وقت را نتوانستند جلب کنند و بنا بر این مجوزی برای گرفتنش نداشته اند و باشا هم که بوزارت پست و تلگراف مراجعه کرده اند گفته شده است از پرداخت چهار هزار ریال خودداری کنند که اینکه وقتی بنده آمدم دیدم که مراجعات در این خصوص بقدری زیاد بود که من خودم بچه در روزنامه و چه در زادی و اعلان کردم که آقایان ۴ هزار ریال را نایبستی پرداخت بکنند و شرکت مکلف است در مقابل ۶ هزار ریالی که گرفته تلفن بدهد ولی خوب بعضی از آقایان رفته اند و این چهار هزار ریال را داده اند و سهام شرکت را باین شکل خریده اند و شصت تومان اولی ۴۰۰ تومان دومی صاحب چهار تا سهم ۲۵۰ تومانی شده اند. اشخاصی که ۴۰۰ تومان را برخلاف نظر وزارت پست و تلگراف پرداخته اند و خرید سهم کرده اند جزء صاحبان سهامند همانطور که با صاحبان سهام رفتار خواهد شد با آن آقایان هم رفتار خواهد شد اما آن هائی که شصت تومان داده و شرکت هم تعهد کرده است که بدهد ما آمده ایم و تکلیف آنها را معین کرده ایم شرکت که اصلاً تاریخی نگذاشته است ما آمده ایم و گفته ایم در ظرف ده سال این پول را اصلاً و فرعاً بدهیم .

بهر جهت این يك قرضی است و باین ترتیب این قرض مستهلك میشود . (پور - سر تیبست تکلیف این چهار صد تومانی معلوم نشد) عرض کردم با آنها چون سهم گرفته اند همان معامله ای می شود که با صاحبان

سهام می شود همان طور رفتار خواهد شد .

نایب رئیس - آقای فرامرزی شما موافقت

فرامرزی - من مخالفم
نایب رئیس - بعنوان موافق با ماده از آقایان کسی تقاضای صحبت دارد؟

فرامرزی - بنده را اجازه بفرمائید حرفم را بزم اسمش را شماره چه می خواهید بگذارید .

بعضی از نمایندگان - بعنوان موافق تشریف بیاورید بعد مخالف صحبت کنید .

فرامرزی - عرض کنم که این ماده ۸ با این تبصره من اول خیال کردم که فهم من قاصر است درست این را نمی فهمم و یا اینکه ماده رسا نیست میخواستم استدعا کنم که جناب آقای وزیر پست و تلگراف توضیحی بدهند ولی با توضیح ایشان باز هم من درست ملتفت نشدم دولت در دفعه اول برای این ایجاد شده است در دنیا که حفظ حقوق مردم را بکنند این اولین وظیفه دولت است (رکتر معظمی - حق عموم را باید حفظ کند یعنی اکثریت مردم را) حق همه را باید حفظ کند تا جایی که لطمه نزند بحقوق مردم ولی پسر من را اگر کشتند برای خودم چه ضرری دارد یا خود مرا گرفتند پس حق من که در يك مملکتی زندگی میکنم باید محفوظ باشد نه اینکه نگاه کنند ببینند اگر حق من محفوظ شد چیزی گیر مردم می آید یا نه دولت اساسش برای حفظ حق مردم است این شرکت تلفن عملش روی این بوده يك شرکتی بوده است همانطور که يك مقدارش را آقای قنات آبادی توضیح دادند روی دسته بندی و قدرت دولت و نفوذ در دولت يك هیئتی سر کار آمده اند و اینها هم ابدأ نگاه نکردند بمنافع مردم و مصلحت شرکت بمنافع چند نفر خودشان فقط نگاه کردند و یاد هم هست وقتی مرحوم وزیر رئیس الوزرا شده بود آمد گفت من همچو میکنم همچو میکنم از دزدی جلوگیری میکنم نمی دانم چکار میکنم من بمناسبت برنامه دولت يك نطقی تهیه کرده بودم من در عمرم دو مرتبه یاسه مرتبه نطق نوشتم که آن دوسه مرتبه هم نتوانستم حرف بزنم و از آن نطق نوشته استفاده کنم آنجا خواستم باو بگویم منظورم از مطالبی که نوشته بودم این بود که آقا شما میگوئید من جلوگیری میکنم از حقه بازی جلوگیری میکنم از دزدی شما را آنها آورده اند اگر بخواهید جلوگیری بکنید بیرونتان می کنند و من جمله شرکت تلفن را مثل می زنم میگویم مطابق تعهدی که شرکت تلفن کرده باید تلفن تمام مملکت را اینها تأمین کنند اگر نکردند باید افو کنید امتیازشان را این هست در امتیازنامه شرکت که اگر من شکایت بکنم شما شکایت بکنید که آقا

من تلفن می خواهم شرکت بمن ندهد محکم شرکت را فوراً تعقیب میکنم مطابق امتیازنامه اش حالا شما اینکار را میکنید؟ رؤسای آنها شما را آورده اند شما چطور اینکارها را میکنید؟ من آنروز خواستم باین قسمت اعتراض کنم وضعیت شرکت را بگویم بوقت نطق بمن نرسید (احسنت) حالا این شرکت پولی از مردم گرفته باید بدون اینکه پول بگیرد مطابق امتیازنامه اش تأمین بکند ارتباطات مملکت را بدون این که پول بگیرد نه اینکه بگوید که من چون نمره ندارم وسایل ندارم شما قبلاً بمن پول بدهید تا من برای شما تهیه کنم حق ندارد این را بگیرد امتیازا گرفت باید پول داشته باشد برخلاف حق و عدالت پولی از مردم گرفته اند برای این که مردم احتیاج داشته اند و مجبور بوده اند برای شصت تومان از هر جا شده قرض کنند بلکه يك نمره تلفن گیرشان بیاید پول را داده اند علاوه بر اینکه شرکت تلفن مکلف بود اگر پول هم نمی دادند نمره های اینها را بدهد بعد از اینکه این پول را داده اند باز هم تلفن بهشان نداده اند باینکه دارای يك حقی شده اند و حقشان قبول همان پول است اگر من توی تا کسی نشستم همین که توی تا کسی نشستم دارای حقی شده ام یعنی باید من را برساند بمنزل آن کسی که پول داده و ازش قبول کرده اند که بهش تلفن بدهند علاوه بر آنکه پولش مال خودش است دارای يك حقی شده و آن این است که باید تلفن بهش بدهند حالا دولت وقتی که جانشین آن شرکت با این ترتیب شد که هیئت مدیره اش همانطور بودند که آقای قنات آبادی فرمودند باید کاری بکنند که وضع مردم بهتر از ایام آنها بشود نه اینکه حق مسلمشان هم از بین برود اگر این قانون را شانمی آوردید آنکس که شصت تومان پول داده بود هر ساعتی حرف میزد مجبور بودند با يك وضعی ساکتش کنند برای این که می دانستند حق دارد اما حالا که شما این حق را گرفته اید نه تلفن میدهید نه پول را پس می دهید در عرض ده سال این پول را می دهید آنهم بتدریج (مهندس حسینی - تلفن هم داده می شود) اگر تلفن داده میشود بنده حرفی ندارم من يك تبصره ای دادم که در ظرف چهار ماه دولت مکلف است تلفن تمام آنهائی که پول قبلاً داده اند بدهد ۴ ماه تعیین کردم و گمان می کنم که زیاد است برای اینکه ۵ سال است اینها را سر میگردانند (دکتر سنجابی - می دهند) خوبست تصریح شود برای اینکه خیلی از این چیزها گفتند و نکردند

نایب رئیس - آقای دکتر فاطمی .

وزیر امور خارجه (آقای دکتر فاطمی) - عرض کنم که جناب آقای وزیر پست و تلگراف بمن فرمودند که شاید از نظر سوابق همکاری مطبوعاتی که داشتم بنده دو کلمه در جواب آقای فرامرزی عرض کنم علتش هم این بود که بطق دو سال قبل را که گویا آنوقت یا مستمع فراهم نبود یا وضعیت فراهم نبود الان آقای فرامرزی فرمودند آقا امروز دولت آمده است و وارث يك خرابیهائی است اگر آقا تصور میفرمائید در ظرف دو یا سه ماه خرابی هائی که از چند سال باینطرف انباشته شده دولت را مکلف بکنید که اینکار را درست بکنند این مشکل ایجاد خواهد کرد بنده یاد می آید که در وقتی که قانون ملی شدن صنعت نفت میگذاشت بنده هم جزء تماشاچی ها نشسته بودم یکی از نمایندگان يك پیشنهاد داد که دولت آقای دکتر مصدق موظف باشد در ظرف ۲۴ ساعت خلع ید را انجام بدهد گرچه ممکن است یکمده ای که وارد در مشکلات نباشند تصور بکنند که ممکن است ولی آقای فرامرزی که این مشکلات را میدانند و میدانند که این مشکلات بایستی یکی بعد از دیگری از پیش پای دولت برداشته شود نباید این طور در نظر بگیرند قضیه این شصت تومان در حقیقت این بوده است که شرکت سابق تلفن يك باج سبیلی گرفته است یعنی عنوان حقیقی این شصت تومان سرفقلى بوده این اصل مطلب است وقتی که دولت الان به آقایان تلفن بدهد و آن مبلغ را هم بعد از ده سال بپردازد دیگر چه اشکالی است؟ (فرامرزی - سرفقلى را که دادند قفلش را کی میدهد؟) قفلها را هم پیش داده اند دولت هم حاضر است آن سرفقلى را که شرکت گرفته بپردازد منتهی در ظرف مدتی که در لایحه ذکر شده مفهوم پیشنهاد جناب عالی این است که تلفن داده خواهد شد یا نه بنده خواستم عرض کنم که تلفن داده خواهد شد و استدعا کنم موافقت بفرمائید بآنهائی که تلفن داده میشود در ظرف ده سال اینرا بعنوان حق الاشترک حساب کنند .

فرامرزی - با بیست سالش هم موافقم .
بعضی از نمایندگان - احسنت .
نایب رئیس - بنظر بنده در این ماده مذاکرات کافی است پیشنهاد ها قرائت می شود
پیشنهاد ها توجه بفرمائید
(پیشنهاد آقای کههد بشرح زیر قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی اینجانب پیشنهاد مینمایم در ماده ۸ تبصره زیر اضافه شود
تبصره - باید بهیچ عنوان بر آنچه

که مطابق تعرفه فعلی گرفته میشود مبلغی اضافه شود
نایب رئیس - این پیشنهاد ارتباطی باین ماده ندارد پیشنهاد دیگر قرائت می شود

(پیشنهاد آقای ناظرزاده بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می کنم بماده ۸ این تبصره اضافه شود
شرکت سهامی تلفن ایران مکلف است برای اشخاصیکه علاوه بر شهزاد ریال چهار هزار ریال دیگر هم اجباراً پرداخته اند حق تقدم در نصب تلفن قائل شود و چنانچه این قبیل اشخاص نخواهند دارای سهم باشند چهار هزار ریال آنها مسترد گردد

ناظرزاده

نایب رئیس - آقای ناظرزاده توضیحی دارید بفرمائید

ناظرزاده :- با توضیحاتی که داده شده آقایان اطلاع دارند که علاوه بر ۶۰۰ تومان به اشخاصی گفته اند که برای اینکه شما صاحب سهم بشوید در شرکت چهارصد تومان دیگر هم بدهید آقای وزیر پست و تلگراف توضیح دادند که دولت با این قسمت موافقت نکرده است ولی چون اشخاص میدیده اند که ششصد تومانشان هم در خطر است گفته اند لاف جزع صاحبان سهام اسمشان نوشته شود ولی اشخاصی هستند که نمی خواهند واقعا اسمشان باشد صاحب سهم در شرکت تلفن هستند بنده تقاضا میکنم این چهارصد تومان که خودشان اقرار کردند که اجباراً از آنها گرفته شده است پس داده بشود و اگر اشخاصی باشند که نخواهند جزء صاحبان سهام باشند و بخواهند چهارصد تومانشان رایس بگیرند این را بنده پیشنهاد کردم که بهشان پس داده شود

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - بنده قبلاً توضیح عرض کردم که وزارت پست و تلگراف بپرداخت چهار هزار ریال موافق نبود و در روزنامه ها و رادیو هم اعلان کرد که آقایان نیایستی بپردازند و حالا نمی تواند باین که اعلام کرده است که نپردازند و یک چیزی را که موافقت نکرده است و آقایان رفته اند و خلاف نظرش رفتار کرده اند این را بیاید و یک ناز شخصی هم بآنها بدهد این معنی ندارد اینکه در کارهای دولت اشکالاتی پیش می آید علتش همین تبعیض هائست که آقایان می کنند منظورم آقایان نمایندگان نیست منظورم مردم است ما گفتیم که آقا ۴۰۰ تومان را ندهید بردند و دادند بشرکت هم هر چه مامینوشتیم که چرا گرفته ای می گفت که شرکت لاجلاج بوده است و گرفته

و حالا مامینوشتیم بآنهائی که برخلاف نظر ما رفتار کرده اند یک باج سبیلی بهشان بدهیم اگر حقشان هم بجاست ولی برای ما میسر نیست و یکی دیگر اینکه آنهائی که ۴۰۰ تومان داده و سهام خریدند آنها صاحب تلفن هستند

(صفائی - آقای مهندس معظمی هنوز سهام بهشان نداده اند گفتند مجمع عمومی تشکیل بشود) اجازه بفرمائید هیئت مدیره شرکت اصلا محق نبود که ۴۰۰ تومان را بگیرد برای اینکه سرمایه شرکت را طبق نظر صاحبان سهام تعیین کرده اند و بصورت سهم درآمده لاف این عمل هیئت مدیره شرکت برخلاف قانون است و در موقعی که سهام شرکت روپتنزل بوده آمده از مردم چهارصد تومان گرفته (حاج سیدجوادی - آقای مهندس کسانی را که این کار را کرده اند تعقیب کنید) نظر جناب عالی را در ماده بعد تأمین کرده ایم که بیایند رسیدگی کنیم و کسانی که خطا کرده اند تعقیب کنیم

مهندس غروی - اخطار نظام نامه ای دارم
نایب رئیس - مطابق چه ماده ای؟
مهندس غروی - طبق همین ماده بنظر بنده ماده ۸ اول خوانده شود و تصویب شود بعدا اگر میخواهند بآن اضافه بکنند آقایان پیشنهاد بفرمائید الان آقایان بتبصره ۲ می خواهند اضافه کنند بدون اینکه اصل ماده تصویب شده باشد

نایب رئیس - اخطار شما وارد نیست خوبست آقا آئین نامه داخلی مجلس را قدری مطالعه بفرمائید آقای فرامرزی با پیشنهاد آقای ناظرزاده مخالفید؟
فرامرزی - بلی
ناظرزاده - آقای فرامرزی اگر بخواهند مخالف باشند بنده پس میگیرم (فرامرزی - خیلی متشکرم برای اینکه سینه من هم درد میکند)
نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(پیشنهاد آقای شهیدی بشرح زیر قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد مینمایم در آخر تبصره ماده ۸ این جمله علاوه شود (سفته هائیکه از مشتری کین دریافت گردیده فاقد اعتبار است) شهیدی

نایب رئیس - آقای شهیدی توضیحی دارید بفرمائید
شهیدی - شرکت ۶ هزار ریال نقد گرفته و چهار هزار ریال هم سفته گرفته شهزاد ریالش در این ماده ۸ تکلیفش معلوم شده است اما سفته هائی که گرفته اند تکلیفش معلوم نیست این بود که بنده پیشنهاد کردم چون بدون حق گرفته اند فاقد اعتبار است

نایب رئیس - آقای فرامرزی
فرامرزی - اگر آقای وزیر پست و تلگراف قبول بفرمائید که در عرض ۴ ماه یا ۳ ماه یا دو ماه یا سه ماه خودشان بهتر میدانند بتمام کسانی که فایول داده اند برای دریافت تلفن، تلفن بدهند همینطور قول بدهند من قبول میکنم و پس میگیرم و الا ممتقدم این باید گنجانده شود برای آنکه هم پول از اشخاص گرفته اند هم تلفن بهشان نداده اند و هم نمرات تلفن بکسان دیگر داده اند
نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف
وزیر پست و تلگراف - عرض کنم که نظر جناب آقای فرامرزی تأمین خواهد شد برای اینکه آنها بکلیه پول داده اند حق تقدم دارند ما هم تلفن را بآنها خواهیم

نایب رئیس بنظر بنده این پیشنهاد باین صورت قابل طرح نیست آقای شهیدی اگر نظری داشته باشند ممکن است بعدا بصورت یکماده الحاقیه ای پیشنهاد بفرمائند پیشنهاد دیگر قرائت میشود

(پیشنهاد آقای مهندس غروی بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم که تبصره ۱ ماده ۸ بشرح زیر اصلاح شود

تبصره ۱ - وام دریافتی شهزاد ریالی شرکت سهامی کل تلفن ایران از مشتری کین اصلا و فرعا در ظرف ده سال از تصویب این قانون از محل حق الاشترک و بهای مکالمات تلفن تهران مستهک خواهد شد

غروی
(مهندس حسینی و دکتر سنجابی - این که توی ماده هست ، این عین ماده است)

نایب رئیس - آقای مهندس غروی عین ماده ۸ را تکرار کرده اید

مهندس غروی - عرضی دارم اجازه بفرمائید توضیح عرض کنم اینجا نوشته است بعد از برافراشتن بیست و دو هزار شماره بنده عرض این بود که اگر این ۲۲ هزار شماره داده میشود که هیچ واگرداده نمیشود چرا اینرا تعلیق بمحال میکنند؟ بنده پیشنهادم این بود
نایب رئیس - این پیشنهاد را باین صورت نمیشود مطرح کرد عین تبصره را تکرار کرده اید

(غروی - جمله پس از برافراشتن ۲۲ هزار شماره تلفن حذف شده از تبصره) اگر حذف است که طبق آئین نامه قابل رأی نیست پیشنهاد دیگری قرائت میشود
(پیشنهاد آقای فرامرزی بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم بجای تبصره ماده ۸ این تبصره گذاشته شود

تبصره - دولت مکلف است در عرض چهار ماه بکلیه کسانی که قبلا شهزاد ریال برای دریافت تلفن بشرکت پرداخته اند تلفون بدهد
عبد الرحمن فرامرزی
(دکتر سنجابی - نظر شما آقای فرامرزی تأمین است)

نایب رئیس - آقای فرامرزی
فرامرزی - اگر آقای وزیر پست و تلگراف قبول بفرمائید که در عرض ۴ ماه یا ۳ ماه یا دو ماه یا سه ماه خودشان بهتر میدانند بتمام کسانی که فایول داده اند برای دریافت تلفن، تلفن بدهند همینطور قول بدهند من قبول میکنم و پس میگیرم و الا ممتقدم این باید گنجانده شود برای آنکه هم پول از اشخاص گرفته اند هم تلفن بهشان نداده اند و هم نمرات تلفن بکسان دیگر داده اند

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف
وزیر پست و تلگراف - عرض کنم که نظر جناب آقای فرامرزی تأمین خواهد شد برای اینکه آنها بکلیه پول داده اند حق تقدم دارند ما هم تلفن را بآنها خواهیم

نایب رئیس - آقای اخگر مخالفید؟

داد چون آنها پول را داده اند با سرغ اوقات هم خواهیم داد (فرامرزی - باین که می دانم تعارف است پس گرفتم) (مهندس حسینی - احسنت)

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت می شود

(پیشنهاد آقای مهندس غروی بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد مینمایم تبصره ذیل بعنوان تبصره ۲ بماده ۸ اضافه شود

تبصره ۲ - سفته هائی که شرکت سابق تلفن بابت دایر کردن تلفن از اشخاص دریافت داشته از درجه اعتبار ساقط و غیر قابل مطالبه است

غروی
(عده از نمایندگان - رده شده مشابهش رده شد)

مهندس غروی - رده شده است اجازه بفرمائید توضیح بدهم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای مهندس غروی عین پیشنهاد آقای شهیدی است منتهی کاملتر و روشن تر است اگر آقایان قابل توجه دانستند آنوقت رأی میگیریم بفرمائید توضیح بدهید

مهندس غروی - توجه بفرمائید جناب آقای مهندس حسینی این پیشنهاد بنده غیر از آن است که آقای شهیدی داده اند همینطور رده شد رده شد که نمیشود عرض کنم یکماده ای ششصد تومان داده اند و شماره تلفن گرفته اند به اینها ما کاری نداریم یکماده ای هستند که ششصد تومان را داده و تلفن نگرفته اند یک چهارصد تومان هم داده اند که این چهارصد تومان باید اضافه شود بآن ۶۰۰ تومان و سهم بهشان بدهند و اینها چهارصد تومان را بصورت سفته داده اند و الان در بانک است بعضیها ماه بماه و بعضیها یکجا داده اند و سفته هارا بانک وصول میکند حالا که دولت دارد این شرکت را ملی میکند دیگر لزومی ندارد که از مردم پول بگیرد (دکتر معظمی - اگر بانک ملی پول داده باشد چکار کند؟)

خوب از آن حسابی که دولت میخواهد آن پول بانک ملی را بپردازد آن پول باین حساب می آید آن کسی که تلفن ندارد این ۴۰۰ تومان را باز هم بدهد اینکه معنی ندارد الان آنهائی که ۶۰۰ تومان داده اند میگوئیم دولت پول آن هارا پس بدهد ولی آنهائی که علاوه بر ششصد تومان چهارصد تومان دیگر داده اند نباید بگوئیم بآن هابولی که داده اند مسترد نشود بنابراین بعقیده بنده آقایان موافقت بفرمائید آن پول هائی که بصورت سفته اشخاص داده اند و در بانک هست وقتیکه این قانون تصویب شد آنها را آقا وصول بکنند و برگردانند عرض بنده این بود پول بدهند و تلفن نگیرند اینک نمیشود

نایب رئیس - آقای اخگر مخالفید؟

(اخگر - بلی) فرمائید

اخگر - بنده تصور میکنم در مذاکراتی که در اینجا میشود اصل موضوع فراموش شده و یک سخنانی گفته میشود که بنظر بنده مربوط به اصل موضوع نیست اصلاً هر کس که پول داده است به این شرکت تلفن یا ششصد تومان یا هزار تومان برای این داده است که دارای تلفن بشود ولی مطلب اینجاست که شرکت تلفن بقدر پولی که گرفته است نتوانسته است تلفن بدهد و حالا هم تلفنی موجود نیست که شما خیال بکنید که این بیست و دو هزار شماره الان نقد داده میشود الان که پیشنهادی فرمائید که مثلاً به ششصد تومانی زودتر بدهند و یا مثلاً به آنکه چهارصد تومان داده است زودتر بدهند اصلاً معنی ندارد (مهندس غروی - چنین چیزی عرض نکردم) و این پیشنهادی که آقای غروی فرمودند که بانک از بابت طلب خودش این سفته‌ها را وصول بکند بنظر بنده هیچ معنی ندارد ملاحظه فرمائید دولت گفته است که کسی نرود این ۴۰۰ تومان را بدهد آمده اند اشخاصی بمیل خودشان خواسته اند که این چهارصد تومان را بدهند بعد عده ای آمده اند نقد داده اند آن کسانی که نقد داده اند چه گناهی کرده اند آنهایی که سفته داده اند چرا باید سفته شان برگردد؟ با تمام اینها همان معامله ای میشود که با شرکت کرده اند یعنی این چهارصد تومانها هم جزو آن ۶۰۰ تومانها حساب میشود و آنها هم صاحب سهم شناخته میشوند با اینها هم همان معامله میشود که با دیگران که سهام خریده بودند معامله خواهد شد بنابراین این پیشنهادات اصلاً مورد ندارد و خوب است که بيمورد وقت مجلس را نگیرید

نایب رئیس - پیشنهاد آقای غروی را بخوانید (خلخالی - من موافقم اجازه می دهید؟)

(پیشنهاد آقای مهندس غروی بشرح سابق مجدداً قرائت شد)

دکتر کیان - فقط اصلاح کنند بت بامضاء کنند اول یک سفته برای اینکه

ممکن است در بانک شرکت نزول کرده باشد

نایب رئیس - اسباب اشکال میشود خوبست پس بگیریید از نظر بانکی ممکن است اشکال تولید کند

مهندس حسینی - خیلی هم اشکال تولید میشود

مهندس غروی - این شش هزار ریال را دولت تمهد میکند در طی ۱۰ سال بردارد آنوقت این پولی که اصلاً نگرفته این را بگیرد اینکه منطقی نیست

نایب رئیس - این عملیات گذشته شرکت تلفن است پیشنهاد دیگری قرائت میشود: (پیشنهاد آقای گنجی بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم کلمه (و چهار هزار ریال) پس از کلمه شش هزار ریال اضافه شود

(آقای گنجی حاضر نبودند) پیشنهاد دیگر قرائت میشود:

پیشنهاد آقای کهبید بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی اینجانب پیشنهاد میکنم در تبصره ماده ۸ هر کلمه در سال تبدیل به ۵ سال گردد - کهبید (مهندس حسینی - ۱۰ سال به ۵ سال)

نایب رئیس - آقای کهبید توضیحی دارید؟

کهبید - بنده پس میگیرم

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود:

(پیشنهاد آقای شبستری بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم: جمله (پس از براه افتادن ۲۲ هزار شماره تلفن خریداری شده) از تبصره ماده ۸ حذف شود - شبستری

نایب رئیس - آقای شبستری توضیحی دارید فرمائید

شبستری - آن ۲۲ هزار شماره تلفن که در نظر گرفته شده است داده شود برایش مدتی در لایحه معین نیست و لذا پرداخت این وام شش هزار ریال هم تهرماً بلامدت میشود بنابراین بهتر است که این

جمله نباشد چون ۲۲ این هزار شماره باشد یا نباشد تأثیری ندارد اجازه فرمائید تبصره را بطوری که اصلاح کرده ام بخوانم و وام دریافتی شش هزار ریالی شرکت سهامی کل تلفن ایران از مشترکین اصلاً و فرعاً در ظرف ده سال از محل حق الاشتراك و بهای مکالمات تلفنی تهران مستهلك خواهد شد.

وزیر پست و تلگراف - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - فرمائید

وزیر پست و تلگراف - عرض کنم شرکت سابق تلفن اینطور تمهد کرده است در مقابل مردم که پس از براه افتادن بیست و دو هزار شماره تلفن آن وام مستهلك شود ما هم این جا بهمان ترتیب عمل کرده ایم

شبستری - فرمودید در اسرع اوقات تلفن ها را میدهند چون مدت ندارد بنده این پیشنهاد را کردم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای شبستری مخالفی ندارد؟ (اظهاری نشد) قرائت میشود و رأی می گیریم.

(پیشنهاد آقای شبستری مجدداً بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می کنم: جمله (پس از براه افتادن بیست و دو هزار شماره تلفن خریداری شده) از تبصره ماده ۸ حذف شود.

نایب رئیس - آقای د کتر سنجابی موافقی؟

دکتر سنجابی - بله موافقم اشکالی ندارد چیز فوق العاده ای نیست

شبستری - خلاصه نظر این است که مدت معین باشد فقط منظور این است

نایب رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (رفیع - رأی بگیرد، پیشنهاد حذف رأی ندارد) (عده کمی برخاستند)

نایب رئیس - رد شد پیشنهاد دیگری قرائت میشود.

(پیشنهاد آقای مهندس حسینی بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره يك ماده هشت بشرح زیر اصلاح بشود وام دریافتی ۶ هزار ریالی شرکت سهامی کل تلفن ایران از مشترکین اصلاً و فرعاً در ظرف ده سال

از محل حق الاشتراك و بهای مکالمات تلفن طهران مستهلك خواهد شد.

نایب رئیس - منتفی است موضوع چون عین پیشنهاد آقای شبستری است که رد شد دیگر پیشنهادی نیست اجازه فرمائید آقایان این ماده هشت که حالا ماده ۷ میشود يك بار دیگر قرائت بشود و رأی بگیریم (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۸ - بوزارت پست و تلگراف و تلفن اجازه داده میشود مطالبات بانک ملی ایران را از شرکت سهامی کل تلفن ایران که اصلاً و فرعاً تا آخر شهریور ۱۳۳۱ بشرح زیر اصلاح آن مبلغ یکصد و هشتاد و چهار میلیون و یکصد و پنجاه و هشت هزار ریال و فرع آن مبلغ سی و هشت میلیون و چهار صد و هفتاد و نه هزار و نهصد و پنجاه و هفت ریال که جمعاً بالغ بر دو بیست و دو میلیون و ششصد و سی و هفت هزار و نهصد و پنجاه و هفت ریال میشود از محل وام مذکور در ماده ۵ کسر نماید

تبصره - وام دریافتی شش هزار ریالی شرکت سهامی کل تلفن ایران از مشترکین اصلاً و فرعاً پس از براه افتادن ۲۲ هزار شماره تلفن خریداری شده در ظرف ده سال از محل حق الاشتراك و بهای مکالمات تلفن تهران مستهلك خواهد شد

نایب رئیس - رأی می گیریم بماده ۸ لایحه تقدیمی و تبصره هایش آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

(۷- اعلام تصویب صورت مجلس)

نایب رئیس - از موقع استفاده می کنم چون عده برای رأی کفنی است تصویب صورت جلسه گذشته اعلام میشود

(۸- تعیین ه و ق و د دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

نایب رئیس - چون وقت گذشته اجازه فرمائید جلسه را ختم کنیم. جلسه آینه روز یکشنبه دوم آذر ساعت ۹ صبح دستور دنباله لایحه شرکت تلفن (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - **احمد رضوی**